

سرنخ

در کتاب درسی با مفهوم «متن» و شیوه‌های بررسی متون ادبی از سه دیدگاه زبان، ادبیات و فکر آشنا شدی و یاد گرفتی که در بررسی و تحلیل متن‌ها باید پنج مرحله را مورد توجه قرار دهی؛ ابتدا «خوانش»، سپس «شناسایی و استخراج نکات زبانی»، بعد «شناسایی و استخراج نکات ادبی» و پس از آن «شناسایی و استخراج نکات فکری» و در پایان «نتیجه‌گیری و تعیین نوع». شیوه تحلیل دو متن را هم بررسی کردی. اولی بخشی از «الهی‌نامه عطار» به عنوان نمونه شعر و دیگری بخشی از «کلیده و دمنه» به عنوان نمونه نثر. ابتدا به خلاصه درس نگاهی بینداز و بعد برو سراغ تست‌ها ...

تحلیل متون ادبی

آثار ادبی را از دیدگاه‌های مختلفی می‌شود تحلیل و بررسی کرد؛ دیدگاه‌هایی از قبیل نگاه «جامعه‌شناختی، زبانی، اخلاقی، محیطی، فکری، تاریخی، روان‌شناختی و ادبی». یکی از بهترین روش‌های تحلیل، بررسی متن (اعم از شعر یا نثر) از سه دیدگاه زبان (ویژگی‌های زبانی)، ادبیات (ویژگی‌های ادبی) و فکر (ویژگی‌های فکری) است. به هر کدام از زمینه‌های تحلیل متن، اصطلاحاً یک «قلمرو» گفته می‌شود؛ بنابراین، تحلیل متن شامل سه قلمروی «زبانی، ادبی و فکری» است. ابتدا نگاهی می‌اندازیم به موضوعات این سه قلمرو و بعد می‌رویم سراغ مراحل تحلیل متن.

۱ قلمروی زبانی: ویژگی‌های زبانی یک اثر ادبی ممکن است با اثر ادبی دیگر، متفاوت باشد. گاهی، اثر، دارای زبانی «ساده و همه‌فهم» است، اما گاهی فهمیدن زبان اثر به خاطر وجود بعضی کلمه‌ها و اصطلاحات خاص، به دقت بیشتری نیاز دارد. بررسی زبانی آثار را می‌شود از دو دیدگاه و اصطلاحاً در دو «سطح» انجام داد: سطح واژگانی و سطح دستوری (نحوی)

۲ قلمروی ادبی: بررسی ادبی آثار را می‌شود در سه «سطح» انجام داد: سطح آوایی (موسیقایی)، بیانی، بدیع معنوی

۳ قلمروی فکری: بررسی متن از نظر ویژگی‌های فکری، روحیات، باورها، گرایش‌ها، نوع نگرش به جهان و جنبه‌های فکری دیگر، با هدف تعیین «رنگ و بوی فکری» و «حال و هوای مفهومی» غالب بر متن.

۲ مراحل تحلیل متون ادبی

برای تحلیل و بررسی متن ادبی، باید پنج موضوع یا مرحله را به ترتیب مورد توجه قرار دهیم:

- ۱- خوانش
- ۲- استخراج نکات زبانی
- ۳- استخراج نکات ادبی
- ۴- استخراج نکات فکری
- ۵- تعیین نوع در ادامه یک نمونه شعر و یک نمونه نثر را مورد بررسی قرار می‌دهیم تا راهگشای شیوه کارمان در درس‌های آینده باشد.

الف) تحلیل و بررسی نمونه شعر

در این بخش شعری از عطار نیشابوری را با هم می‌خوانیم و در پنج مرحله «کالبدشکافی» می‌کنیم.

۱ خوانش شعر

ابتدا به خواندن و درک معنی تحت‌اللفظی ابیات می‌پردازیم در ضمن باید توجه داشته باشیم که لحن این شعر «روایی - داستانی» است.

معنی و بازنویسی	متن
روباهی وقت سپیده‌دم در دام گرفتار شد / و با حيله گری فکر کرد تا راه [فراری] پیدا کند.	به دام افتاد روباهی سحرگاه به روبه‌بازی اندیشید در راه
[با خودش گفت] اگر شکارچی مرا در چنین وضعی ببیند / فوراً [مرا] می‌کشد و [پوستم] را [می‌کند] و به دباغ می‌دهد.	که گر صیاد ببیند هم‌چنینم دهد حالی به‌گازر پوستینم

پس آن‌گه، مُرده کرد او خویشتن را ز بیم جان، فروافکنند تن را	به این دلیل، همان موقع، خودش را به مُردن زد / و از ترس کشته شدن، خودش را روی زمین انداخت.
چو صیّاد آمد، او را مرده پنداشت نمی‌یارسست روبه را کم انگاشت	وقتی شکارچی [به سراغ او] آمد، تصوّر کرد او مُرده است / [با این حال] نمی‌توانست [از روباه صرف‌نظر کند و] روباه را بی‌ارزش بداند.
ز بُن بُبُرید حالی گوش او لیک که گوش او به کار آید مرا نیک	فوراً گوش او را از بیخ برید / [و با خود گفت] که خیلی به دردم خواهد خورد.
به دل، روباه گفتا: ترکِ غم گیر چو زنده مانده‌ای، یک گوش، کم گیر	روباه با خودش گفت: غصّه نخور! / همین که زنده مانده‌ای [کافی‌ست] فرض کن یک گوش نداشته‌ای!
یکی دیگر بیامد، گفت: این دم زبان او به کار آید مرا هم	فرد دیگری رسید و گفت: حالا / زبانش هم به درد من می‌خورد.
زبانش را بُرید آن مرد، ناگاه نکرد از بیم جان، یک ناله روباه	آن مرد یک‌دفعه زبان روباه را برید. / [اتنا] روباه از ترس جانش، حتّی ناله‌ای هم نکرد! (یک «آخ» هم نگفت!)
دگر کس گفت: ما را از همه چیز به کار آید همی دندان او نیز	شخص دیگری گفت: از بین همه اعضای روباه، دندانش هم به درد من می‌خورد.
نزد دم، تا که آهن درفکندند به سختی چند دندانش بکنند	[روباه باز هم] حرفی نزد [و واکنشی نشان نداد] تا این که ابزار آهنی [کشیدن دندان] را [در دهانش] قرار دادند و با زحمت چند تا [از] دندان [هایش] را کشیدند.
به دل، روباه گفتا: گر بمانم نه دندان باش و نه گوش و زبانی	روباه با خودش گفت: اگر [قرار است] زنده بمانم (زنده ماندنم وابسته به واکنش نشان ندادن است) / [بگذار] دندان و گوش و زبان نداشته باشم!
دگر کس آمد و گفت: اختیار است دل روبه، که زنجی را به کار است	فرد دیگری آمد و گفت: من [از بین همه اعضایش] دل روباه را می‌خواهم که [مطمئنأً یک روز] در درد و مریضی به کار [م] می‌آید.
چو نام دل شنید از دور، روباه جهان بر چشم او شد تیره، آن‌گاه	همین که روباه، از آن فاصله، نام «دل» را شنید (فهمید که قصد برداشتن دل او را دارند) / در آن لحظه، دنیا پیش چشمش تیره و تار شد.
به دل می‌گفت: با دل نیست بازی کنون باید به کارم حیل ساز	به خودش گفت: [از دست دادن] «دل» را نمی‌توان موضوع ساده‌ای در نظر گرفت (شوخی‌بردار نیست). / حالا [دیگر] باید چاره‌ای برای خودم پیدا کنم.
بگفت این و به صد دستان و تزویر بجست از دام، هم چون از کمان، تیر	این را [با خود] گفت و با مکر و حیل بسیار / مانند تیری [که] از کمان [رها شده باشد]، از دام بیرون پرید.
حدیث دل، حدیثی بس شگفت است که در عالم، حدیثش درگرفته ^۱ است	قضیة «دل»، موضوعی بسیار حیرت‌آور است. / و به همین دلیل، آوازه [ارزشمندی] دل، در جهان، پیچیده است.

۱ شناسایی و استخراج نکات زبانی^۲

سطح واژگانی و سطح دستوری (نحوی)

<ul style="list-style-type: none"> کم بودن واژه‌های غیرفارسی (در شعر، تنها ۷ واژه عربی به کار رفته، که همان‌ها هم، از واژه‌های پرکاربرد در زبان فارسی‌اند (یا دست کم در زمان شاعر، پرکاربرد بوده‌اند)): صیّاد، حال، اختیار، حیل، تزویر، حدیث، عالم کاربرد واژه‌های کهن: گازر (دبّاغ)، نمی‌یارسست (نمی‌توانست)، دستان (حیل)، حالی (فوراً)، بس (بسیار) کاربرد «چو» در معنی «هنگامی که»: چو صیّاد آمد / چو نام دل شنید کاربرد «به» در معنی «در»: کنون باید به کارم حیل ساز 	<ul style="list-style-type: none"> کاربرد «به» در معنی «با»: به صد دستان و تزویر بجست از دام کاربرد شبکه معنایی با واژه‌ها: حیل، دستان، تزویر، دام / دل، زبان، گوش، دندان سادگی و روانی زبان شعر سادگی و کوتاهی جمله‌ها: به دام افتاد روباهی سحرگاه / به روبه‌بازی اندیشید در راه جابه‌جایی اجزای جمله و جهش ضمیر: که گر صیّاد بیند هم چنینم / چو نام دل شنید از دور، روباه حذف فعل به قرینه: نه دندان باش و نه گوش و زبانی [باش].
---	--

۱- واژه دوم در واقع «گرفته» است. شاعر با تکیه بر شیوه نوشتاری رایج در زمان خود - که گاهی «ه» را از پایان صفت مفعولی حذف می‌کردند و بن ماضی را به فعل «است» می‌چسبانند، یعنی به صورت «شگفتست و گرفتست» - خود را مجاز به قافیه گرفتن آن دوتا دانسته است.

۲- در بررسی «زبانی»، در هر دو سطح، در تحلیل همه ابیات تا پایان کتاب، هنگام معرفی و ویژگی (مثلاً «حذف فعل به قرینه لفظی») تنها یک تا چند مورد را به عنوان نمونه ذکر می‌کنیم. روشن است که همه نمونه‌ها ممکن است بیش از این‌ها باشد. سعی شده تا جایی که کتاب درسی به چیزی تصریح کرده، آن عبارات را ذکر کنیم و تنها در صورت لزوم قدری لحن بیان را ساده‌تر کنیم.

<ul style="list-style-type: none"> ● ترکیب‌سازی: روبه‌بازی، حيله‌سازی ● کاربردهای تاریخی دستور: نمی‌بارست ... کم انگاشت، به کار آید همی، مرده کرد ● به کار بردن فعل پیشوندی: فزوافکنندن، درفکنندن ● استفاده از «ب» در ابتدای فعل ماضی ساده: ز بُن ببریَد حالی گوش او ● به کار بردن «الف» در پایان فعل «گفتا»: به دل، روباه گفتا: گر بمانم 	<ul style="list-style-type: none"> ● به کار بردن صفت مبهم «دگر» در جایگاه وابسته پیشین: دگر کس گفت / دگر کس آمد ● به کار بردن «نیک» در معنی قیدی: که گوش او به کار آید مرا نیک ● به کار بردن «را» در معنی حرف اضافه: زبان او به کار آید مرا / گوش او به کار آید مرا
--	--

۲ شناسایی و استخراج نکات ادبی

الف) سطح آوایی (موسیقایی)	
<ul style="list-style-type: none"> ● قالب شعری: مثنوی (به دلیل قرار گرفتن قافیه در پایان هر دو مصراع از یک بیت) ● وزن: مفاعیلن مفاعیلن فعولن (U - - - U / - - - U) ● قافیه‌ها: سحرگاه و راه / هم‌چنینم و پوستینم / خویشتن و تن / پنداشت و انگاشت / لیک و نیک / غم و کم / دم و هم / ناگاه و روباه / چیز و نیز / درفکنندن و بکنندن / اختیار و کار / روباه و آن‌گاه / بازی و حيله‌سازی / تزویر و 	<ul style="list-style-type: none"> ● تیر / شگفت و گرفت ● ردیف: در بیت‌های ۳ (را)، ۶ (گیر)، ۱۲ (است) و ۱۶ (است) ● جناس: لیک، نیک (بیت ۵) / غم، کم (بیت ۶) / چیز، نیز (بیت ۹) ● واج‌آرایی: تکرار صامت «ه» (بیت ۱) ● تکرار: گوش (بیت ۵)، دل (بیت ۱۴)، حدیث (بیت ۱۶)
ب) سطح بیانی	
<ul style="list-style-type: none"> ● تشبیه: جستن روباه از دام به جستن تیر از کمان (بیت ۱۵) ● استعاره: جان‌بخشی به روباه تشخیص و استعاره است. ● مجاز: آهن مجاز از ابزار آهنی (بیت ۱۰) / عالم مجاز از موجودات عالم (بیت ۱۶) 	<ul style="list-style-type: none"> ● کنایه: ترک غم گرفتن (بیت ۶)، دم زدن (بیت ۱۰)، جهان بر چشم، تیره شدن (بیت ۱۳)
ج) سطح بدیع معنوی	
<ul style="list-style-type: none"> ● مراعات نظیر (شبکه معنایی): دل، گوش (بیت ۶) / دل، دندان، گوش، زبان (بیت ۱۱) / دل، چشم (بیت ۱۳) / کمان، تیر (بیت ۱۵) / دستان، تزویر (بیت ۱۵) 	<ul style="list-style-type: none"> ● تضاد: جان، تن (بیت ۳)

۳ شناسایی و استخراج نکات فکری

با مقایسه کردن اعضای بدن (گوش، زبان و دندان) با «دل» و برتر دانستن دل از همه اعضا، به این نکته پی‌می‌بریم که شاعر «دل» را جایگاهی بسیار باارزش می‌داند، آن‌جا که می‌گوید: «با دل نیست بازی» و در بیت پایانی، نتیجه‌ای عرفانی می‌گیرد. شعر، با وجود ظاهر ساده و داستان، پایان‌بندی و نتیجه‌گیری‌اش، طوری‌ست که نشان می‌دهد شاعر با ظرافت تمام، یک نکته عمیق «معرفتی^۱» درباره ارزش و جایگاه دل را در قالب داستان «روبه و شکارچی» گنجانده تا بگوید ارزشمندی دل، به این دلیل است که دل، جایگاه خداوند است. روی هم، شعر، ظاهری «ساده، محسوس و عینی» دارد، اما نتیجه‌گیری پایانی، «ذهنی و معنوی» است.

۴ نتیجه‌گیری و تعیین نوع^۲

با توجه به این که مضمون شعر، «تعلیم» دادن یک موضوع مهم، مربوط به فضای «حکمت» و «معرفت» (عرفان) است، این شعر را می‌توانیم در دسته ادبیات «تعلیمی - عرفانی» جا بدهیم.

ت (ب) تحلیل و بررسی نمونه‌شعر

در این‌جا هم مانند تحلیل شعر با ۵ مرحله «خوانش، استخراج نکات زبانی، استخراج نکات ادبی، استخراج نکات فکری و تعیین نوع» روبه‌رویم که در ادامه با بررسی نمونه‌ای از کتاب کلیل و دمنه به آن خواهیم پرداخت.

۱ خوانش متن

ابتدا برای کشف لحن و آهنگ، یک نگاه کلی به متن می‌اندازیم و بعد از شناسایی لحن مناسب با حال و هوای اثر، متن را «دقیق» می‌خوانیم. این متن، لحنی روایی - داستانی دارد و مناسب است هنگام خواندن آن، لحنی صمیمانه با آهنگی نرم و ملایم را برای پندآموزی و تحت تأثیر قرار دادن مخاطب انتخاب کنیم.

۱- این اصطلاح را کتاب استفاده کرده. منظور «عرفانی» است.

۲- قدیمی‌ترین طبقه‌بندی انواع ادبی مربوط به یونان باستان است. آن‌ها اشعار را برحسب محتوا در چهار نوع «حماسی»، «غنائی»، «نمایشی» و «تعلیمی» طبقه‌بندی می‌کردند.

معنی و بازنویسی	متن
وقتی دانستم که انسان ارزشمندترین آفریده‌هاست و [با این حال] ارزش روزهای زندگی‌اش را نمی‌داند، متعجب شدم و خوب که دقت کردم، فهمیدم که مانع این [قدرشناسی]، [بسنده کردن به] آسایش کم و [برآورده کردن] نیازهای بی‌ارزش است که انسان‌ها گرفتار آن شده‌اند.	چون بشناختم که آدمی، شریف‌تر خلیق است و قدر ایام عمر خویش نمی‌داند، در شگفت افتادم و چون نیک بنگریستم؛ دریافتم که مانع آن، راحت اندک و نیاز حقیر است که مردمان بدان، مبتلا گشته‌اند.
هر کس به مشغله‌های دنیوی سرگرم شود و از [فراهم کردن زمینه‌های] نیک‌بختی [اش] در جهان آخرت غافل بماند، [شرایطش] مانند [قضیه] آن کسی است که [داشت] از معرض [حمله] شتر مست فرار می‌کرد و ناچار، خود را در چاهی آویزان کرد و دو عدد شاخه‌ای را که بالای آن روییده بود، گرفت و پاهایش در محلی ثابت شد.	هرکه به امور دنیایی رو آورد و از سعادت آخرت خود غفلت کند، هم‌چون آن مرد است که از پیش‌آشتر مست بگریخت و به ضرورت، خویشتن در چاهی آویخت و دست در دو شاخ زد که بر بالای آن روییده بود و پاهایش بر جایی قرار گرفت.
در این شرایط، دقیق‌تر نگاه کرد و [متوجه شد] که هر دو پای او روی سر چهار مار قرار دارند که سر خود را از سوراخ [های دیواره چاه] بیرون آورده بودند. [سپس] به ته چاه نگاه کرد. مار بزرگ ترسناکی را مشاهده کرد که دهانش را باز کرده و منتظر افتادن او بود.	در این میان، بهتر بنگریست. هر دو پای، بر سر چهار مار بود که سر از سوراخ، بیرون گذاشته بودند. نظر بر قعر چاه افکند. ازدهایی سهمناک دید، دهان گشاده، و افتادن او را انتظار می‌کرد.
[بعد] به بالای چاه نگاه کرد [و متوجه شد] که موش‌های سیاه و سفید، پی‌درپی ریشه آن شاخه‌ها را قطع می‌کردند و او در این میان، چاره‌جویی می‌کرد و برای رهایی خودش به دنبال راهی می‌گشت.	به سر چاه التفات نمود. موشان سیاه و سفید، بیخ آن شاخه‌ها دایم می‌بریدند و او در اثنای این، تدبیری می‌اندیشید و خلاص خود را طریقی می‌جست.
[یک‌دفعه] روبه‌روی خود یک کندوی زنبور و مقداری [عسل] دید. قدری از آن عسل چشید. طوری شیفته شیرینی آن شد که وضعیتی خودش [در چاه] را فراموش کرد و متوجه نبود که پایش روی سر چهار مار است، در حالی که نمی‌شد حدس زد که چه زمانی واکنش نشان می‌دهند [و نیش می‌زنند] و [از طرفی هم] موش‌ها با جدیت بسیار مشغول بریدن شاخه‌ها بودند و ... ، تا جایی که [سرانجام] شاخه شکست و آن درمانده طمع کار در دهان مار بزرگ افتاد.	پیش‌خویش، زنبورخانه‌ای و قدری شهد یافت، چیزی از آن به لب بُرد، از نوعی در حلاوت آن مشغول گشت که از کار خود غافل ماند و نه‌اندیشید که پای او بر سر چهار مار است و نتوان دانست که کدام وقت در حرکت آیند، و موشان در بریدن شاخه‌ها، جدّ بلیغ می‌نمایند و ... ؛ چندان که شاخ بگسست و آن بیچاره حریص در دهان ازدها افتاد.
[با این مثال در حقیقت] من جهان را به آن چاه پرخطر تشبیه کرد[ه‌ام] و موش‌های سفید و سیاه و پی‌گیری آنان در قطع کردن شاخه‌ها را به شب و روز [مانند کرده‌ام] و آن چهار مار را به سرشت‌های چهارگانه تشبیه کرده‌ام که ستون آفرینش انسان است و هر وقت یکی از آن‌ها بجنبند [و بر سایر طبع‌ها غلبه پیدا کند]، مانند زهر کشنده است؛	پس، من دنیا را بدان چاه پُرآفت، مانند کردم و موشان سپید و سیاه و مداومت ایشان بر بریدن شاخه‌ها، بر شب و روز؛ و آن چهار مار را به طبایع که عماد خلقت آدمی است و هر گاه که یکی از آن در حرکت آید، زهر قاتل باشد؛
و چشیدن شهد و شیرینی‌اش را با لذت‌های دنیایی مشابه دانستم که سودش کم و زیانش بسیار است و [با غافل کردن انسان از واقعیت‌ها] رهایی را برای انسان غیرممکن می‌کند و منظورم از ازدها [هم، مرگ] و [بازگشتی است که در ازای آن هیچ تدبیری نمی‌شود به کار بست و به یقین باید به آن تن داد و آن وقت [دیگر] پشیمانی فایده‌ای ندارد و امکان برگشتن [به دنیا و جبران] فراهم نیست.	و چشیدن شهد و شیرینی آن را مانند کردم به لذات این جهانی که فایده آن، اندک و رنج آن، بسیار است، و راه نجات بر آدمی، بسته می‌گرداند، و ازدها را مانند کردم به مرجعی که از آن، چاره نتواند بود؛ هر آینه بدو باید پیوست و آنگاه ندامت، سود ندارد و راه بازگشتن مهیا نیست.

۲ شناسایی و استخراج نکات زبانی

سطح واژگانی و دستوری (نحوی)

<ul style="list-style-type: none"> ● جلدانویسی نشانه نفی فعل «ن»: نه‌اندیشید (به جای «نیندیشید») ● کاربرد فعل «گسستن» به صورت ناگذر^۱ و در معنی «بریده شدن، شکستن» ● کاربرد «ب» در ابتدای فعل ماضی: بگسست، بنگریست ● کاربرد مصدر مرخّم: نتوان دانست، نتواند بود ● حذف فعل به قرینه: پس، من دنیا را بدان چاه پُرآفت، مانند کردم و موشان سپید و سیاه و مداومت ایشان بر بریدن شاخه‌ها بر شب و روز [مانند کردم] و آن چهار مار را به طبایع [مانند کردم]. ● کاربرد «را» به معنی «برای»: خلاص خود را طریقی می‌جست. 	<ul style="list-style-type: none"> ● کاربرد واژه‌های کهنی که امروزه، شکل دیگری دارند: آشتر، شاخ، بنگریست ● کاربرد واژه «قاتل» در معنی «کشنده» برای غیر انسان ● کاربرد واژه «شهد» در معنی «عسل» ● بیشتر جمله‌ها کوتاه و قابل فهم هستند. ● جمع بستن واژه «موش» با نشانه جمع «ان» ● کاربرد واژه مرکب «زنبورخانه» به معنی «کندوی زنبور» ● به کاربردن صفت برتر (تفضیلی) در معنی صفت برترین (عالی): شریف‌ترین خلیق ● کاربرد واژه «نیک» در جایگاه قیدی: چون نیک بنگریستم (نیک: بسیار)
---	--

۱- منظور از «ناگذر»، این‌جا کاربرد «گسستن» در معنایی است که نیازی به مفعول نداشته باشد: گسسته شدن. فعل «گسستن» در معنایی که مفعول لازم دارد - و اصطلاحاً به آن «گذرا» گفته می‌شود - به معنی «بریدن و پاره کردن و شکاندن» است. کتاب درسی متأسفانه با حذف این‌طور مطالب اساسی و مهم، پایه‌های دستور زبان و درک نقش واژه‌ها را به طور کلی نابود کرده است.

۲ شناسایی و استخراج نکات ادبی

الف) سطح آوایی (موسیقایی)

● سجع: هرکه به امور دنیایی رو آورد و از سعادت آخرت خود غفلت کند، هم چون آن مرد است که از پیش آشنتر مست بگریخت و به ضرورت، خویشتن در چاهی آویخت. / هر گاه که یکی از آن در حرکت آید، زهر قاتل باشد.

ب) سطح بیانی

ج) سطح بدیع معنوی

- مراعات نظیر: زنبورخانه، شهید، حلاوت
- تضاد: سیاه و سفید / پا و سر / سر و قعر / زهر و شیرینی / زهر و شهد / رنج و لذت / اندک و بسیار
- تمثیل: استفاده از امکان مثال آوردن برای بیان مفهوم غفلت

۳ شناسایی و استخراج نکات فکری

- نگاه حکایت، تعلیمی ست. نویسنده برای بیان منظور خود (صرف کردن عمر در راه سعادت در جهان آخرت) به این موارد اشاره می‌کند:
- ارزشمندتر بودن انسان در میان همه آفریده‌ها، گران بها بودن لحظات عمر، توصیه به هشیاری و پرهیز از خوشی‌های زودگذر
 - این حکایت از یک طرف به ارزش حقیقی انسان اشاره دارد و از طرف دیگر نسبت به لذت‌های زودگذر، نگاه منفی دارد.

۴ نتیجه‌گیری و تعیین نوع

متن خواننده را دعوت می‌کند به این‌که:

نسبت به جایگاه انسان، نگاه خوش‌بینانه و والایی داشته باشد؛ قدر لحظه‌لحظه عمر خویش را بداند؛ هشیاری خویش را حفظ کند و آن قدر سرگرم خوشی‌های دنیایی نشود که از هدف والای زندگی غافل بماند؛ و این‌که: خوش‌بختی حقیقی در کسب خشنودی خداوند است. با توجه به مطالب گفته شده و تأکید «درون‌مایه» این متن، آن را باید نمونه‌ای از متون «تعلیمی» به شمار آورد.

مفاهیم نموندهای محمد دس

مفهوم	نمونه
دعوت به پویایی و تلاش مداوم / توصیه به خطر کردن و نکوهش عافیت‌طلبی	به دین ما حرام آمد کرانه به موج آویز و از ساحل بپرهیز
توکل موجب کام‌روایی ست.	خاطری فارغ ز عالم چون توکل بایدش
قناعت و خرسندی به داشته‌ها	جبهه واکرده‌ای پیوسته چون گل بایدش
توصیه به خاموشی و سنجیده‌گویی	بر زبان، بند گرانی از تأمل بایدش
تقدیرگرایی / صبر کلید کام‌یابی ست.	دانه چون در آسیا افتد تحمل بایدش
خاکساری موجب کمال است. / توصیه به تواضع	از کنار ابر، تا دریا تنزل بایدش
اهمیت «شیوه بیان» سخن و توجه به نوع مخاطب و شرایط و موقعیت	خلیفه گفت: تعبیر از آن بیرون نشد (سخن همان است)؛ اما از عبارت تا عبارت، بسیار فرق است؛ این مرد را صد دینار بدهید.
تربیت‌پذیری / اهمیت گوش‌مالی در تربیت!	بهلول او را ملامت کرد که چرا شرط ادب به‌جا نیاوردی؟ او گفت: چه کنم؟ آب و گل مرا چنین سرشته‌اند. گفت: آب و گل تو را نیکو سرشته‌اند، اما لگد کم خورده است!

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

حالا وقتش رسیده بریم سراغ سوالاتی درس، اول چندتا سؤال خاص و ظریف درباره شکل درست خواندن!

۶ نوع «خوانش» هنگام پایان یافتن مصراع اول، در کدام گزینه متفاوت است؟

- | | |
|--|---|
| <p>۱) در شهر اگر تو شاهد شیرین گذر کنی
 ۲) بیاکه ساقی ما مجلس خوشی آراست
 ۳) وقت ما را میر ای خواجه به بیهوده سخن
 ۴) بودم ز مهرش دزه‌ای بودم ز بحرش قطره‌ای</p> | <p>۷) از میان ابیات زیر، چند بیت را باید به گونه‌ای خواند که نشان بدهد سخن شاعر، در مصراع نخست تمام نشده است؟</p> <p>الف) به دام افتاد روباه‌ی سحرگاه
 ب) زبانش را بُرید آن مرد ناگاه
 ج) به دل، روباه گفتاگر بمانم
 د) چو نام دل شنید از دور روباه
 ه) به دل می‌گفت با دل نیست بازی
 و) بگفت این و به صد دستان و تزویر</p> |
|--|---|

و انتخاب لحن ...

۸ لحن شاعر در کدام رباعی متفاوت است؟

- | | |
|--|---|
| <p>هر چند که هست جرم و عصیان ما را
 محتاج به غیر خود مگردان ما را
 و بی تو غمی خوردم از آن غم توبه
 گر بهتر از آن توان از آن هم توبه!
 و اندر صف اهل زهد غیر افتادی
 صد شکر که عاقبت به خیر افتادی
 رحمان و رحیم و راحم و ستاری
 این بنده شرمنده فرونگذاری</p> | <p>۱) یارب مکن از لطف پریشان ما را
 ذات تو غنی بوده و ما محتاجیم
 ۲) از هر چه نه از بهر تو کردم توبه
 و آن نیز که بعد از این برای تو کنم
 ۳) ای دل که ز مدرسه به دیر افتادی
 الحمد که کار را رساندی تو به جای
 ۴) یارب یارب کریمی و غفاری
 خواهیم که به رحمت خداوندی خویش</p> |
|--|---|

کم کم میریم سراغ نکات زبانی

۹ در کدام گزینه «یارست» متفاوت است؟

- | | |
|---|---|
| <p>گر حدیثی هست با یارست و با اغیار نیست
 که یارست با وی نبرد آزمود
 ز خوبان جز تو در عالم همی درمان جان ای جان
 از آن می‌نگجسد در آن کیمن کس</p> | <p>۱) ما زبان اندر کشیدیم از حدیث خلق و روی
 ۲) که گویند از ایران سواری نبود
 ۳) تو را یارست بس در جان ز بهر آن که نشناسد
 ۴) دلم خانه مهر یارست و بس</p> |
|---|---|

این جا، سوالاتی مهمی اومدن درباره کاربرد و معنای مختلف کلمه‌ها توی شرایط مختلف. ببین:

۱۰ در کدام گزینه کاربرد واژه «قاتل» متفاوت است؟

- | | |
|---|--|
| <p>قتل صاحب‌نظر آن است که قاتل برود
 نه قتل خوش همی‌آید که دست و پنجه قاتل
 چون ز دست دوست می‌گیری شفای عاجل است
 چه نسبت است؟ بگویند: قاتل و مقتول</p> | <p>۱) سهل بود آن که به شمشیر عتایم می‌کشت
 ۲) به خونم گر بیاید دو دست نازنین شاید
 ۳) زهر نزدیک خردمندان اگرچه قاتل است
 ۴) مرا به عاشقی و دوست را به معشوقی</p> |
|---|--|

۱- در این سؤال، عمداً و به طور هدفمند، برخلاف شیوه نوشتاری رایج خودمان، نوشتار کتاب درسی و کنکور را که اساساً هیچ شیوه درست یا دست کم یکسانی در کار خودشان ندارند، مورد نظر قرار دادیم؛ مثلاً گردآورنده کتاب درسی و یا طراح کنکور، عبارت «یارست» (به معنی «یار است») را به همین صورت، از روی دیوان شعر یا فابل و نرم‌افزار، رونویسی می‌کند؛ در حالی که در کتاب حاضر و همه یادداشت‌های به قلم نویسندگان این کتاب، چنین چیزی مطابق با نوشتار درست در فارسی امروز، به صورت «یار است» نوشته می‌شود. هدف از طرح این سؤال، این است که بگوییم رسم‌الخط نادرست کتاب درسی و کنکور، خودش از عوامل ایجاد شباهت‌های «غلط‌انداز» - از جمله بین یارست (یار است) و یارست (از مصدر «یارستن») - می‌شود. به این موضوع توجه کن!

۱۹ با توجه به عبارت «شاهزاده‌ای معلم فرزند خویش را گفت: قبل از کتابت وی را شنا آموز؛ چه کسی را باید که به جایش بنویسد، اما کسی را نباید که به جایش

شنا کند.» خوانش کدام گزینه درست نیست؟

- (۱) شاهزاده‌ای، معلم فرزند خویش را گفت.
 (۲) قبل از کتابت، وی را شنا آموز.
 (۳) چه کسی را باید که به جایش بنویسد؟
 (۴) کسی را نباید که به جایش شنا کند.

چنانچه سؤال هم درباره روابط واژگان

۲۰ در کدام بیت میان واژه‌های مشخص شده رابطه معنایی «تضمن» وجود ندارد؟

- (۱) لعل روید به جای لاله ز خاک
 (۲) ثواب روزه و حج قبول آن کس برد
 (۳) سحر می‌گفت خاکستر صبا را
 (۴) مرد حلواایی نظر کردش به زر

۲۱ واژگان مشخص شده در همه گزینه‌ها رابطه «تضمن» دارند، به جز

- (۱) در غم و شادی ایام مرا حال یکی است
 (۲) آن چه زین نظم در شمار آمد
 (۳) در این سیلاب غم کز ما پدر برد
 (۴) سبزه گشته چون زمرد رنگ تو

حالا به سؤال نکته دارتر!

۲۲ واژگان مشخص شده در کدام گزینه رابطه «تضمن» دارند؟

- (۱) نسیم باد صبا جان من فدای تو باد
 (۲) گل و خار است پایت را در این ره هرچه پیش آید
 (۳) شیرینی و حلاوت شعرم غریب نیست
 (۴) قوم تو از رنگ و خون بالاتر است

بیباگرم خبری زان نگار خواهی داد
 هم از گل پا برون آور هم از پا خار بیرون کن
 کز شکر لعل توست دهن پرشکر مرا
 قیمت یک اسودش صد احمر است

گنج نشو! برای تشخیص روابط واژه‌ها حتماً بیتا رو بخون و معنی شون کن! **خب معلومه که «صبا» با «باد»، «فعل دعایی» و «شیرینی» با «شکر» رابطه تضمن نداره!**

۲۳ در میان واژگان کدام گزینه رابطه «تضاد» وجود ندارد؟

- (۱) گر از سلطان طمع کردم خطا بود
 (۲) هر که می‌آمد آفرین می‌گفت
 (۳) شکر در کام من تلخ است بی دیدار شیرینش
 (۴) که شنیدی که در این بزم دمی خوش بنشست

ور از دلبر وفا جستم جفا کرد
 آستانش بسه آستین می‌رفت
 وگر حلوا بدن ماند که زهرش در میان آستی
 که نه در آخر صحبت به ندامت برخاست

حواست به تلفظ «می‌رفت» توی گزینه (۲) بود؟

۲۴ در واژگان کدام بیت رابطه «تضاد» وجود ندارد؟

- (۱) چو هامون دشمنانت پست بادند
 (۲) ای دل به سر مویی آزاد نخواهی شد
 (۳) در عالم امکان دل عارف نگشاید
 (۴) هر درد را که بینی درمان و چاره‌ای هست

چو گردون دوستان والا همه سال
 مویی شدی اندر غم، هم شاد نخواهی شد
 یوسف چه قدر جلوه کند در ته چاهی؟
 درمان درد «سعدی» با دوست سازگاری

۲۵ رابطه درج شده در برابر واژگان مشخص شده در کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) اگرچه ماه به ده دست روی خود شوید
 (۲) چون عمر به سر رسد چه شیرین و چه تلخ
 (۳) جان‌ها چو سیلابی روان تا ساحل دریای جان
 (۴) که در بوستانش همیشه گل است

چه زهره دارد کان چهره را غلام بود: تناسب
 پیمانچه چو پر شود چه بغداد و چه بلخ: تضاد
 از آشنایان منقطع با بحر گشته آشنا: ترادف
 به کوه اندرون لاله و سنبل است: تضمن

بازم می‌گیم حواستو جمع کن، بیتارو بخون. گزینۀ (۱) «زهره» بود، نه «زهره».

حالا نوبت نکات ادبیه. اول از قافیه‌بندی و قالب شعر می‌پرسیم و بعد می‌ریم سراغ آرایه‌ها!

۲۶ کدام بیت از شعری در قالب «مثنوی» انتخاب شده است؟

دوستت فراموش کنسد در بلا
که در چشم طفلان نمایی بلند
مذهب عاشقان دگر باشد
«سعدی» بیچاره بود بلبل خوش‌گوی من

(۱) دوست نباشد به حقیقت که او
(۲) اگر کوتاهی پای چوبین مبنند
(۳) عاقلان از بلا بپرهیزند
(۴) ای گل خوش‌بوی من یاد کنی بعد از این

عاقبت ما را بدان سر رهبر است
کنه در کافرستان نباشد روا!
به امید آن که روزی به کف اوفتد وصالی
با درد صبر کن که دوا می‌فرستمت

۲۷ اگر بیت‌های زیر، هر کدام، از میانه یک شعر انتخاب شده باشند، کدام گزینه در قالب شعری «مثنوی» سروده شده است؟

(۱) عاشقی گر زین سر و گر زان سر است
(۲) بتا نامسلمانای می‌کنسی
(۳) چه خوش است در فراقی همه عمر صبر کردن
(۴) ساقی بیا که هاتف غییم به مزده گفت

اون «میانه» رو توی صورت سؤال دیدی؟ نکته‌ش همونه خب! دقت نمی‌کنی، این طوری می‌شه!

حالا نوبت آرایه‌ها ...

۲۸ در همه بیت‌ها آرایه «تشبیه» وجود دارد، به جز

که قوت طوطی روحم کلام توسست ای دوست!
لب لعل تو شراب‌آلوده‌ست
که جامی در میان آرند و سروی در کنار آید
که چون یاقوت لب داری و مرواریدندانی

(۱) سخن بگویی از آن پسته شکرافشان شو
(۲) نرگس مسست تو خواب‌آلوده‌ست
(۳) دلم را باغ و بستان خوش نمی‌آید مگر وقتی
(۴) دو چشم من همی یاقوت و مروارید از آن بارد

کان لحظه شب بود که نهان باشد آفتاب
کاو هم‌چو بندگان دهت بوسه بر جناب
باری به هیچ روی ز من روی بر متاب
دانم که خواب را نتوان دید جز به خواب

۲۹ در همه گزینه‌ها آرایه «تشبیه» وجود دارد، به جز

(۱) روزم شب است بی تو و چون روشن است
(۲) خورشید را به روی تو تشبیه چون کنم
(۳) بر روی چون مه ار چه بتابی کمند زلف
(۴) گفتم مگر به خواب توان دیدنت ولیک

بر من آسایش حرام است، ای صنم
همیشه سجده‌گهم آستان خرگه توسست
سیلاب سرشک آمد و طوفان بلا رفت
یا صنوبر یا بلای خلق یا بالای دوست؟

۳۰ کدام گزینه آراسته به آرایه «تشبیه» نیست؟

(۱) تا بود بر دیگران وصلت حلال
(۲) مرا چو زندگی از یاد روی چون مه توسست
(۳) دور از رخ تو دم به دم از گوشه چشمم
(۴) شاخ شمشاد است یا سرو سهی یا نارون

هم‌چو شمع بزم ما شب تا سحر بیدار باش
نشانی چون دهم چون بی‌نشان است
وی قامت تو سروی وی روی تو بهاری
تا راه بری به کیمیایی که می‌پرس

۳۱ در کدام گزینه آرایه «تشبیه» بیشتر به کار رفته است؟

(۱) آرزوی آتش غم بایست پروانه‌سان
(۲) گمانی چون برم چون کس نبرده است
(۳) ای زلف تو کمندی ایروی تو کمانی
(۴) از مس وجود خود دمی بیرون ای

هرجا «چون» دیدی نگو تشبیه داریم! به معنی «چون» توجه کن ... حالا بریم سراغ آرایه‌های تشخیص و کنایه:

۳۲ در همه گزینه‌ها آرایه «تشخیص» به کار رفته است، به جز

که روز هجر سیه باد و خان و مان فراق
رنجه شو، بنگر که یار نازنین من کجاست
خاری به خود می‌بندی و ما را ز سر و می‌کنی
تا سر زلف سخن را به قلم شانه زدند

(۱) اگر به دست من افتد فراق را بکشم
(۲) ای صبا! یاری نما، اشک نیاز من بین
(۳) ای نوگل خندان چرا خون در دل ما می‌کنی؟!
(۴) کس چو «حافظ» نگشود از رخ اندیشه نقاب

از این جا به بعد آرایه های لفظی

۴۱ در کدام گزینه، آرایه «تکرار» (واژه آرایه) به کار نرفته است؟

- ۱) تو ندانی که چرا در تو کسی خیره بماند
- ۲) خورشید و گلت خوانم هم ترک ادب باشد
- ۳) میان ما و شما عهد در ازل رفته ست
- ۴) از روی دوست تا نکنی رو به آفتاب

۴۲ در کدام گزینه، آرایه «تکرار» (واژه آرایه) وجود ندارد؟

- ۱) راستی گرچه به بالای تو می ماند سرو
- ۲) بیبا و برگ سفر ساز و زاد ره برگیر
- ۳) دوستان را ز غم دوست امان بخشیدند
- ۴) می تلخ نباشد چو ز دست تو ستانند

۴۳ در همه گزینه ها آرایه «واج آرایه» (نغمه حروف) برجسته است، به جز

- ۱) رشته تسبیح اگر بگسست معذورم بدار
- ۲) با تو برآمیختنم آرزوست
- ۳) ای مست شب رو کیستی؟ آیا مه من نیستی؟
- ۴) شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی

۴۴ در همه گزینه ها آرایه «جناس» به کار رفته است، به جز

- ۱) اعتمادی نیست بر کار جهان
- ۲) باد باد آن کاو به قصد خون ما
- ۳) دوستان در پرده می گویم سخن
- ۴) چون سرآمد دولت شب های وصل

و نمونه های ترکیبی، حواستو جمع تر کن!

۴۵ آرایه های درج شده در همه گزینه ها در بیت زیر وجود دارند، به جز

- «نسیم باد صبا جان من فدای تو باد»
 (۱) تشبیه (۲) تشخیص (۳) واج آرایه (۴) جناس

۴۶ در همه گزینه ها آرایه های «تشبیه و کنایه» دیده می شود، به جز

- ۱) عشق تو آتش است و دل بنده سوخته
- ۲) ز پا افتادگان را نگفتی دست می گیرم؟
- ۳) ما چو دادیم دل و دیده به طوفان بلا
- ۴) چو پیک اجل دامن او گرفت

۴۷ در کدام گزینه، همه آرایه های «تشبیه - تشخیص - مراعات نظیر» وجود دارد؟

- ۱) دامن دوست به دست آر و ز دشمن بگسل
- ۲) مکن قصد من مسکین که خوبان
- ۳) گرچه لعل تو خموش است ولی چشم تو را
- ۴) آتش خشم تو برد آپ من خاک آلود

۴۸ در کدام بیت، همه آرایه های «واج آرایه - تکرار - جناس - تضاد - تشخیص - تشبیه» وجود دارد؟

- ۱) چهره ز زین و قصر زرنگار من یکی است
- ۲) کوه و صحرا پیش سیل بی قرار من یکی است
- ۳) ساحل خشک و محیط بی کنار من یکی است
- ۴) ورنه کوه قاف و صبر پایدار من یکی است

تا کسی هم چو تو باشد که در او خیره بمانی
 چرخ مه و خورشیدی باغ گل و نسرینی
 هزار سال برآید همان نخستینی
 کز آفتاب روی به دیوار می کنی

نسبت قد تو با سرو روان نتوان کرد
 که عاقبت برود هرکه او ز مادر زاد
 بوستان را گل صدبرگ به بار آوردند
 کز دست تو گر زهر بود نوش توان کرد

دستم اندر ساعد ساقی سیمین ساق بود
 وز همه کس وحشت و بیگانگی
 گر نیستی پس چیستی؟ ای هم دم تنهای دل
 غنیمت است چنین شب که دوستان بینی

بلکه برگردون گردان نیز هم
 عهد را بشکست و پیمان نیز هم
 گفته خواهد شد به دستان نیز هم
 بگذرد ایام هجران نیز هم

آتش فتاده سوخته دل را روان بسوخت
 ز پا افتاده ام اینک چه می گویی؟ چه فرمایی؟
 گو بیبا سیل غم و خانه ز بنیاد بیر
 دریدند یاران گریبان جان

مرد یزدان شو و فارغ گذر از اهرمان
 چنین در خون مسکینان نکوشند
 با دل خون شده ما سخنی نیست که نیست
 بعد از این باد به گوش تو رساند خبرم

۴۹ اگر بخواهیم ابیات زیر را به ترتیب داشتن آرایه‌های «تشبیه - جناس - تشخیص - کنایه - تضاد» مرتب کنیم، کدام گزینه درست است؟

- الف) ما چشم عقاب و دل شهباز نداریم
ب) فتنده اهل نظر چون به پایش از پس دیگر
ج) ما را به بهشت و دوزخ کاری نیست
د) رخ است آن یا چمن یا باغ نسرين؟
ه) دلجم دور از رخت تا صبح دم دوش
- ۱) د - ه - ب - الف - ج
۲) الف - ج - ب - ه - د
۳) الف - ج - ه - د - ب
۴) الف - ه - ج - ب - د

خب، چه طورایی تا اینجا؟! فکرت رو آزاد کن که کم کم باید وارد قلمرو فکری بشیم! جن تا سؤال اول رو برای تمرین کردن آوردیم، اینجا توی معنی کردن بیتا و عبارتا باید حسابی دقت کنی و مفهوما رو همچین تر و تمیز و مهربون و مطمئن استخراج کنی! تمرین خوبیه دست به کار شو!

۵۰ با توجه به عبارت «پس، من دنیا را بدان چاه پُرافت، مانند کردم و موشان سپید و سیاه و مداومت ایشان بر بریدن شاخ‌ها را به شب و روز؛ و چهار مار را به طبایع که عماد خلقت آدمی است.» اطلاعات کدام گزینه، به «قلمرو فکری» نویسنده نزدیک تر است؟

- ۱) نگرش خردگرا - توصیه به هشیاری
۲) نگرش بدبینانه - توصیه به توکل
۳) نگرش جبرگرا - توصیه به عبادت
۴) نگرش خردگرا - توصیه به خوش باشی

۵۱ در همهٔ گزینه‌ها متن به طور آشکار مخاطب را به «خردگرایی» دعوت می‌کند، به جز

- ۱) خرد دارد ای پیر بسویار نام
۲) بخندد بر او هر که دارد خرد
۳) تو چیزی مدان کز خرد برتر است
۴) خرد جوید آگنده راز جهانان
- رساوند خرد پادشا را به کام
کس او را ز گردن کشان نشمرد
خرد بر همه نیکویی‌ها سر است
که چشم سر ما نبیند نهان

ای جان!! شادی‌گرایی! نکتهٔ سختی نداره. دیدیم حرف از شادی‌گراییه، گفتیم دو کلمه ما بگیریم، بلکه یه کم شاد شی، غم و غصهٔ کنکور یادت بره. علوم فنون - سختاش رو بذاری کنار - آسونه! تو حرف گوش بده، یاد می‌گیری. اخمامت وا کن. این بیتا رو بین، بین چه خوش بودن این شاعرا واسه خودشون! روحشون شاد! البته به حرفاشون عمل نکنی! سعی کن به صورت معنوی شادی کنی! می‌فهمی که؟!

۵۲ همهٔ گزینه‌ها براساس ویژگی فکری «شادی‌گرا» سروده شده است، به جز

- ۱) ساقی، تو بده باده و مطرب تو بزن رود
۲) بگسارم به صبوح اندر، زین سرخ شراب
۳) هر که او غم می‌خورد در عشق او
۴) می‌خور ای سید احرار، شب جشن سده
- تا می‌خورم امروز، که وقت طرب ماست
که همش گونهٔ گل بینم و هم بوی گلاب
شادمان از خویشستن بر می‌خورد
باده خوردن بلی از عادت احرار بود

۵۳ در کدام گزینه «رنگ و بوی فکری و حال و هوای مفهومی چیره بر متن» متفاوت است؟

- ۱) من از برای خور و خواب، تن نپروردم
۲) تا چند عمر در هوس و آرزو رود؟
۳) نیز چه خواهی دگر خوش بزی و خوش بخور
۴) مشو مقید ویرانهٔ جهان چون سیل
- همیشه جان به کف و سر بر آستان دارم
ای کاش این نفس که برآمد فرورود!
انده فردا مبرگیتی خواب است و باد
سبک دو پای تعلق ز گل برآر و برو

۵۴ از نظر «ویژگی‌های فکری» کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) بفزای قامت خرد و فکرت
۲) خرد شاه را بهترین افسر است
۳) خرد را نیست تاب نور آن روی
۴) خرد کیمیای صلاح است و نعمت
- مفزای طول پیرهن و پهنای
هش و دانتش نیک تر لشکر است
برو از بهر او چشم دگر جوی
خرد معدن خیر و عدل است و احسان

۵۵ کدام گزینه از نظر «ویژگی‌های فکری» با سایرین یکسان نیست؟

- ۱) در مقامات ارچه عاشق را مددها کرد عقل
۲) عشق رایات سلطنت افراخت
۳) عقل و دین از کافری‌های تو خوار
۴) خانهٔ دل عشق به تاراج داد
- عقل را از عشق قدسی چون توان برتر نهاد؟!
پس اقاییم عقل غارت ساخت
عشق از سوداگری‌های تو خوار
عقل از این واقعه بگریخته است

(اختصاصی انسانی خارج از کشور ۹۹)

۵۶ همه مفاهیم داده شده از رباعی زیر دریافت می شود، به جز

«عمیری ز پی کام دل و راحت تن
در داد نداد از بن دندان با من
۱) دندان از را از کام جهان ریشه کن، کن.
۳) آسایش بشری در گرو آسودگی دیگران است.

گشتم و ندیدیم جز از رنج و محن
راحت طلبی ز کام دندان بر کن
۲) نتیجه تکاپوی دنیوی، اندوهی بیش نیست.
۴) چشم پوشیدن از دنیای فانی، سبب آسایش است.

بعد از «زبانی» و «ادبی»، می رسیم به «استخراج نکات فکری» و «تعیین نوع». خوب بخون بین چی می گن. چشمت رو از این روباهه بردار! غافل شی دررفته! تو می مونی و سه تا صورت سؤال خالی! مخصوصاً این که، به «دل»ش اصلاً کاری نداشته باش. ندیدی چی کار کرد تو شعر؟! یارو اومد سراغ دل و اینا، روباهم که حساس، تله و مله رو ریخت به هم، دررفت! نکن آقا جان، نکن! خواهر من، برادر من، نکن! با «دل» شوخی نکن!!

۵۷ کدام گزینه با بیت «به دل می گفت: با دل نیست بازی / کنون باید به کارم حيله سازی» تناسب معنایی دارد؟

۱) همی جویبند وفا از خوب رویان
۲) بیای ای تازه گل برگ بهاری
۳) چنان از کرده خود شرمساریم
۴) بدین خردی که آمد حبه دل

دلیم را حسد نادانی بینید
بگو عزم کدامین باغ داری؟
که روی عذرخواهی هم نداریم
خداوند دو عالم راست منزل

۵۸ کدام گزینه با بیت های زیر تناسب مفهومی دارد؟

«چو نام دل شنید از دور، روباهه
به دل می گفت: با دل نیست بازی
۱) بگفت از صبر کردن کس خجل نیست
۲) دل ما گرچه اندر سینه ماست
۳) دل مسکین مرا نیست در این جا قدری
۴) شب نیست کز تو بر سر هر کو نغیر نیست

جهان بر چشم او شد تیره، آن گاه
کنون باید به کارم حيله سازی»
بگفت این دل تواند کرد دل نیست
ولیکن از جهان ما برون است
زان که صد دل چو دل خسته من هست این جا
و اندیشه تو در دل برنا و پیر نیست

۵۹ در همه گزینه ها به مفهوم بیت «حدیث دل، حدیثی بس شگفت است / که در عالم، حدیثش در گرفته است» اشاره شده است؛ به جز

۱) ساکن و هر لحظه سیار است دل
۲) چیست دل یک عالم بی رنگ و بوست
۳) اندکی اندر جهان دل نگر
۴) صورت شیری دل شیریت نیست

عالم احوال و افکار است دل
عالم بی رنگ و بو بی چار سوست
تا ز نور خود شوی روشن بصر
گرچه دلت هست دلیریت نیست

با سوال «قرابت معنایی»، از نمونه های نثر و شعر همین درس و خود ارزیابی هاش. می گه: زبون به کام بگیر و در بند این دنیای نامرد نالوطی نباش! عاقبت همه مون می میریم، ارزش خودت رو بدون، حرفاتو اول مزه مزه کن بعد به زبون بیار، صبر داشته باش، میگذره. مفهومی مهم و معروف و متنوعی داره خلاصه. بخون که میان! سه تایی اول رو ببین. کنکور ۹۸ن. می گیم قرابت میدان از علوم فنون، می گی نه!

(اختصاصی انسانی خارج از کشور ۹۸)

۶۰ ابیات زیر با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

«نهنگی بچه خود را چه خوش گفت
به موج آویز و از ساحل بپریز
۱) گر موج خیز حادثه سر بر فلک زند
۲) موجیم که آسودگی ما عدم ماست
۳) «صائب» از فردژوان باش که چون موج سراب
۴) تو سعی کن که به روشن دلان رسی «صائب»

به دین ما حرام آمد کرانه
همه دریاست ما را آشیانه»
عارف به آب تر نکند رخت و پخت خویش
ما زنده از آنیم که آرام نگیریم
رو به دریای عدم می برد این قالبها
که سیل واصل دریا چو شد زلال شود

۶۱ کدام بیت، فاقد مفهوم بیت زیر است؟

«صبر بر جور فلک کن تا بر آیی روسفید
۱) از صبر تلخ چاره من می کند طیب
۲) مکن ز بستگی کار شکوه چون خامان
۳) گرچه رنجوری صبوری کن که در دار فنا
۴) صبوری ورز اگر خواهی که کام دل به دست آری

دانه چون در آسیا افتد تحمل بایدش»
بیچاره ام چه چاره ز بیچارگی مرا؟!
که صبر غنچه گره را گره گشا کرده است
هرچه آید بر سر فرزند آدم بگذرد
سرانجام همه کارت بود از صبر پابرجا

(اختصاصی انسانی ۹۸)

۷۰ مفهوم کدام بیت با سایرین متناسب نیست؟

- ۱) دم به دم سوخت اسیری که شکبیا نبود
- ۲) تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافریست
- ۳) زمین سست، سیلاب عمارت می‌شود «صائب»
- ۴) دارم بیه بادبان تووگل امیدها

۷۱ کدام‌گزینه با بیت زیر ارتباط معنایی دارد؟

- «صبر بر جور فلک کن تا برآیی روسفید»
- ۱) جان‌گدازی اگر به آتش عشق
 - ۲) هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست
 - ۳) بیان شوق چه حاجت که سوز آتش دل
 - ۴) تا نسوزد برنیاید بسوی عود

در به در گشت اسیری که تووگل نکند
راهرو گر صد هنر دارد تووگل بایندش
منه بر کاهلی زنه‌ار بنیاد تووگل را
هرچند شد سفینه من کاغذین در آب

دانه چون در آسیا افتد تحمّل بایندش»
عشق را کیمیای جان بینی
دل افسرده غیر از آب و گل نیست
توان شناخت ز سوزی که در سخن باشد
پخته داند کاین سخن با خام نیست

۷۲ کدام‌گزینه با بیت «صبر بر جور فلک کن تا برآیی روسفید» / دانه چون در آسیا افتد تحمّل بایندش» متناسب است؟

- ۱) خسرو نظر در آن رخ و وان‌گه حدیث صبر
- ۲) گرت چو نوح نبی صبر هست در غم طوفان
- ۳) کام دل حاصل نکردم از صبوری ورنه من
- ۴) تحمّل گفتمی و من هم که کردم سال‌ها اما

اندازه تو نیست، زبان را به کام کن
بلا بگردد و کام هزارساله برآید
صبر کردم در غمش چندان که امکان شد مرا
چه قدر آخر تحمّل بلکه یادت رفته پیمانت

۷۳ کدام‌گزینه با بیت «خُرده‌ای از مال دنیا در بساط هرکه هست / جبهه واکرده‌ای پیوسته چون گل بایندش» ارتباط معنایی دارد؟

- ۱) ز کوی یار می‌آید نسیم باد نوروزی
- ۲) چو گل گر خرده‌ای داری خدا را صرف عشرت کن
- ۳) ز جام گل دگر بلبل چنان مست می‌لعل است
- ۴) جدا شد یار شیرینت کنون تنها نشین ای شمع

از این باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروزی
که قارون را غلطها داد سودای زراندوزی
که زد بر چرخ فیروزه صغیر تخت فیروزی
که حکم آسمان این است اگر سازی و گر سوزی

۷۴ مفهوم کدام‌گزینه با عبارت «گفت: چه کنم؟ آب و گل مرا چنین سرشته‌اند.» یکسان است؟

- ۱) از کینه پاک کن دل افگار خویش را
- ۲) از سخت‌دل زبان نصیحت کشیده دار
- ۳) بگذار تا حدیث غمش روبه‌رو رود
- ۴) تا چشم شور خلق نسازد تو را کباب

صبح امید ساز شب تار خویش را
مشکن به سنگ گوهر شهوار خویش را
مگشا به بی‌غمان لب‌گفتار خویش را
تنها مخور پیالۀ سرشار خویش را

۷۵ کدام‌گزینه با حکایت زیر تناسب معنایی دارد؟

«پهلول او را ملامت کرد که چرا شرط ادب به‌جا نیوردی؟ او گفت: چه کنم؟ آب و گل مرا چنین سرشته‌اند. گفت: آب و گل تو را نیکو سرشته‌اند، اما لگد کم خورده است!»

- ۱) کند پند ملایم در گران‌جانان اثر بهتر
- ۲) هیچ کس بی‌گوش مال تربیت آدم نشد
- ۳) فارغ‌تر از دل تو ندیدم دلی دگر
- ۴) از سبک‌باری گران‌جانان دنیا غافل‌اند

که با گوش گران باشد سخن آهسته‌تر بهتر
غوطه تا در خون نزد شمشیر صاحب‌دم نشد
ایزد تو را سرشته ز آب و گلی دگر
ورنه ذوق باختن بسیار بیش از بردن است

حالا تعیین نوع ادبی یعنی آخرین مرحله ...

۷۶ «نوع ادبی» در کدام‌گزینه، با سایر‌گزینه‌ها تفاوت دارد؟

- ۱) کنون نیزه من به گوشه رسید
- ۲) تو را بر تگ رخس مهمان کنم
- ۳) یکی نیزه زد بر کمر بند او
- ۴) مگوی آن که گر بر ملا اوفتد

سرت را به خنجر بخواهم برید
سرت را به گویال درمان کنم
که بگسست بنیاد و پیوند او
و جودی از آن در بلا اوفتد

۷۷ کدام گزینه را نمی توان نمونه شعر «تعلیمی یا اندرزی» دانست؟

- ۱) چو ما را به غفلت بشد روزگار
- ۲) آتشی کردی و گویی صبر کن
- ۳) برو پاس درویش محتاج دار
- ۴) بیش از این کار تو چو بسته نمود

و چن تا سؤال هم از گوشه و کنار درسا برای حسن ختام!

۷۸ در کدام گزینه به نام پدیدآورنده «الهی نامه» اشاره شده است؟

- ۱) مولانا جلال الدین
- ۲) محتشم کاشانی

۷۹ عبارت زیر با واژگان کدام گزینه کامل می شود؟

«قدیمی ترین طبقه بندی انواع ادبی در یونان باستان صورت گرفته است؛ آن ها از چهار نوع حماسی، غنایی، و تعلیمی، سخن گفته اند؛ این تقسیم بندی،

بیشتر مبتنی بر بود و جنبه محتوایی داشت.»

- ۱) اخلاقی - شعر
- ۲) نمایشی - شعر

تو باری دمی چند فرصت شمار
من ندانم صبر کردن در تنور
که شاه از رعیت بود تاج دار
به قناعت بدوز دیده از

- ۳) عطار نیشابوری
- ۴) سعدی شیرازی

- ۳) نمایشی - نثر
- ۴) اخلاقی - نثر



پایه‌های آوایی ناهمسان

سرنخ

در سال‌های دهم و یازدهم وزن‌های همسان را شناختی. از این‌جا می‌رویم سراغ وزن‌های ناهمسان. قدری از چیزی که تا به حال یاد گرفته‌ای دشوارتر است، اما در عوض، این‌طور وزن‌ها، هم ریتم‌های زیباتری دارند و هم در میان شاعران پرکاربردترند. اول، درسنامه را دقیق بخوان و سعی کن ریتم‌های مختلف را خوب یاد بگیری و بر مختصات آوایی هر وزن مسلط شوی، بعد برو سراغ بخش سؤال. تأکید می‌کنیم که هر دو روش «تقطیع» و «سماعی» را به موازات هم یاد بگیر و از تمرین‌های سماعی غافل نشو! یادگیری عروض یک راه بیشتر ندارد: تمرین، تمرین، تمرین! البته تمرین اصولی و درست! سرنخ را بگیر و ببیا. در سال یازدهم با وزن‌های همسان که از تکرار یکنواخت یک پایه آوایی و وزن‌های همسان دولختی که از تکرار متناوب دو پایه یا رکن حاصل می‌شود، آشنا شدی. در این درس با شکل دیگری از وزن‌ها رو به رو می‌شوی؛ وزن‌هایی که نه رکن‌هایشان یکسان است و نه ترکیبی از دو رکن تکراری‌اند. این وزن‌ها از رکن‌هایی متفاوت (ناهمسان) ساخته شده‌اند و در آن‌ها چیزی که باعث خوش‌آهنگی وزن شده ترکیب چند رکن متفاوت است نه تکرار ارکان. در درک ریتم این‌طور وزن‌ها اول باید به ریتم کلی مصراع دقت کنی. وزن‌های ناهمسان ممکن است از سه رکن یا از چهار رکن ساخته شده باشند. نمونه‌های پرکاربرد این وزن‌ها را در جدول زیر ببینیم:

سه رکنی‌ها

- فَعْلَاتَن مفاعِلن فَعْلَن^۱
- مفعولٌ مفاعِلن فعولن (مستفعلٌ فاعلاتٌ فع لن)
- مفعولٌ مفاعِلن مفاعِلین (مستفعلٌ فاعلاتٌ مستفعل)
- مفعولٌ فاعلاتٌ مفاعِلین (مستفعلن مفاعِلٌ مفعولن)

چهار رکنی‌ها

- مفاعِلن فَعْلَاتَن مفاعِلن فَعْلَن
- مفعولٌ فاعلاتٌ مفاعِلٌ فاعِلن (مستفعلن مفاعِلٌ مستفعلن فَعْلن)
- مفعولٌ مفاعِلٌ مفاعِلٌ فعولن (مستفعلٌ مستفعلٌ مستفعلٌ مستف)²
- مفعولٌ / مفاعِلٌ / مفاعِلٌ / فَعْلن (مستفعلٌ / مستفعلٌ / مستفعلٌ / فع)³
- مفعِلن فاعلاتٌ مفعِلن فع

آشنایی با وزن‌های ناهمسان پرکاربرد شعر فارسی

۱) فَعْلَاتَن مفاعِلن فَعْلَن (U U / - U - U / -- U U)

این وزن از ترکیب و به دنبال هم آمدن سه رکن «فعلاتن»، «مفاعِلن» و «فَعْلَن» ساخته شده؛ از وزن‌های پرکاربرد شعر فارسی هم هست. طبق روال همیشگی قبل از هر چیزی باید چند نکته را درباره این وزن بدانی:

۱) از این وزن در کتاب درسی با شکل «فاعلاتن مفاعِلن فعِلن» یاد شده است؛ یعنی رکن اول به اشتباه فاعلاتن دانسته شده؛ که با شکل اصلی وزن متفاوت است.

۲) هنگامی که با نمونه‌های این وزن (UU / - U - U / -- UU) برخورد کردی حواست به رکن ابتدایی و انتهایی باشد.

رکن اول معمولاً مشمول اختیار به کاربردن فاعلاتن به جای فعلاتن می‌شود و ممکن است در تقطیع با الگوی هجایی (- U - U / - UU) روبه‌رو بشوی. یادت باشد که این موضوع نباید تغییری در نام‌گذاری رکن‌ها ایجاد کند.^۴

گاهی هم ممکن است رکن آخر مشمول اختیار ابدال شود و در هجابندی با شکل (UU / -- U - U / - / -) مواجه بشوی. در چنین مواردی هم مثل مورد قبل، رکن پایانی را هم چنان «فَعْلَن» در نظر می‌گیریم.

۱- این وزن به اشتباه در کتاب درسی «فاعلاتن، مفاعِلن، فعِلن» ذکر شده است که در همین درس درباره‌اش توضیحی می‌دهیم.
 ۲- می‌توانیم دو وزن «مستفعلٌ مستفعلٌ مستفعلٌ مستفعلٌ مفاعِلٌ مفاعِلٌ فعولن» و «مستفعلٌ مستفعلٌ مستفعلٌ فع (مفعول مفاعِل مفاعِل فعل)» را به دو شکل «همسان» و «ناهمسان» رکن‌بندی کنیم و کتاب درسی نیز شکل همسان آن را ترجیح داده است، اما با توجه به عنوان درس اجباراً آن‌ها را ذیل نام وزن‌های ناهمسان آورده‌ایم.
 ۳- این وزن در کتاب درسی از قلم افتاده، اما براساس سابقه طراحی سؤالات در آزمون سراسری بدون شک جزو وزن‌های مورد استفاده طراح است.
 ۴- نگران نباش! در درس‌های آینده، دلیل و محدوده این اختیارات را یاد می‌گیری و با نکات و جزئیاتش آشنا می‌شوی. اینجا ناچار این موضوع را مطرح کردیم، صرفاً برای این‌که در برخورد با نمونه‌های ناشیانه کتاب درسی سردرگم نشوی!

ندهم دل به قد و قامت سرو که چو بالای دلپذیر تو نیست

تقطیع:

نَ	دَ	هم	دل	بَ	قد	دَ	قا	مَ	تَ	سرو
U	U	-	-	U	-	U	-	U	U	U
کِ	چُ	با	لا	یِ	دل	پَ	ذی	رِ	تُ	نیست
U	U	-	-	U	-	U	-	U	U	U
					مفاعِلن					فعلِن

۲) مستفعل فاعلات فاعل (U-U / U-U / U-U) یا مفعول / مفاعِلن / فعولن (U-U / U-U / U-U)

این وزن از وزن‌های خوش‌آهنگ شعر فارسی است؛ از ترکیب سه رکن «مستفعل»، «فاعلات» و «فاعلن» ساخته شده. در وزن‌های دوری یادگرفتی که می‌شود یک وزن را با دو تا شیوه رکن‌بندی متفاوت بخوانی. این‌جا هم چنین امکانی در اختیار داری و می‌توانی آن را به صورت «مفعول / مفاعِلن / فعولن» رکن‌بندی کنی.

ما را همه شب نمی‌برد خواب ای خفته روزگار دریاب

تقطیع:

ما	را	ه	م	شب	ن	می	ب	رد	خاب
-	-	U	U	-	-	-	U	-	U
ای	خف	ت	ی	رو	ز	گا	ر	در	یاب
-	-	U	U	-	-	-	U	-	U
					فاعلات				فعلِن

۳) مستفعل فاعلات مستفعل (U-U / U-U / U-U) یا مفعول / مفاعِلن / مفاعِلین (U-U / U-U / U-U)

این وزن هم از جمله وزن‌هایی است که می‌توانی آن را به دو شیوه متفاوت (از نظر ظاهری) رکن‌بندی کنی. یکی به صورت (U-U / U-U / U-U) (چهارهجایی / چهارهجایی / سه‌هجایی) که «مستفعل فاعلات مستفعل (= مفعولن)» خوانده می‌شود و دوم به صورت (U-U / U-U / U-U) که با «مفعول مفاعِلن مفاعِلین» متناسب است.

از خلق جهان کناره می‌گیرد آن را که تو در کنار می‌آیی

تقطیع:

از	خل	ق	ج	هائ	ک	نا	ر	می	گی	رد
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-	-
آین	را	ک	ت	در	ک	نا	ر	می	آ	یی
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-	-
						فاعلات				مفعولِن

۴) مستفعل مفاعِل مفعولن (U-U / U-U / U-U) یا مفعول فاعلات مفاعِلین (U-U / U-U / U-U)

این وزن از ترکیب سه رکن «مستفعلن»، «مفاعِل» و «مفعولن» (چهارهجایی / چهارهجایی / سه‌هجایی) ساخته شده. در عین حال می‌توانی آن را طور دیگری هم رکن‌بندی کنی. (سه‌هجایی / چهارهجایی / چهارهجایی) که با ارکان «مفعول فاعلات مفاعِلین» (U-U / U-U / U-U) متناسب است.

دل بر امید مرگ چه می‌بندم دیگر مرا ز مرگ، جدایی نیست

تقطیع:

دل	بر	أ	می	د	مر	گ	چ	می	بن	دم
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	-
دی	گر	م	را	ز	مر	گ	ج	دا	یی	نیست
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U
						مفاعِل				مفعولِن

۵) مفاعِلن فَعَلاتِن مفاعِلن فَعَلن (U-U / U-U / U-U)

از این‌جا به بعد با وزن‌هایی روبه‌رو هستیم که از پیوستن چهار رکن ساخته شده‌اند. نخستین وزن این بخش، یکی از پرکاربردترین وزن‌های شعر فارسی است که موسیقی آن از پشت هم قرار گرفتن ارکان «مفاعِلن»، «فَعَلاتِن»، «مفاعِلن» و «فَعَلن» به دست می‌آید. در شناسایی این وزن بیش‌تر دقت کن؛ در آزمون‌ها معمولاً جزو انتخاب‌های اول طراح است.

مگیر زلف سیاهش به بوی دانه خال که بهر مهره نشاید میان مار گرفت

تقطیع:

م	گ	ز	ف	س	یا	هش	ب	بو	ی	دا	ن	ی	خال
U	-	U	U	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-لا
ک	ب	م	ر	ن	شا	ید	م	یا	ن	ما	ر	گ	رفت
U	-	U	U	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-لا
	مفاعِلن		فعلاتِن		مفاعِلن		مفاعِلن		مفاعِلن		مفاعِلن		فعلن

۶ مستفعلن مفاعِل مستفعلن فَعْل (- - / - U - / UU - U - / - U -) یا مفعول فاعلات مفاعِل فاعلن (- U - / U - - U / U - U - / U - -)

از وزن های پرکاربرد شعر فارسی است و آن را می توانی به صورت «مفعول فاعلات مفاعِل فاعلن» نیز رکن بندی کنی.

چون درد عاشقی به جهان هیچ درد نیست تا درد عاشقی نچشد مرد مرد نیست

تقطیع:

چ	د	د	ع	ش	ق	ب	ج	ه	هیچ	د	د	نیست
-	-	U	-	U	-	U	U	-	U	-	U	-لا
تا	د	د	ع	ش	ق	ن	چ	شد	د	مر	د	نیست
-	-	U	-	U	-	U	U	-	U	-	U	-لا
	مستفعلن		مفاعِلن		مفاعِلن		مفاعِلن		مستفعلن		فعل	

۷ مستفعل مستفعل مستفعل مستف (= فع لن) (- - / UU - - / UU - - / UU - -) یا مفعول مفاعِل مفاعِل فعولن (- - / U - - U / U - - U / U - -)

وزنی پرکاربرد است با ریتمی سریع تر به نسبت بقیه وزن ها، که از تکرار سه باره رکن «مستفعل» و اضافه شدن رکنی با دو هجای بلند (مستف = - -) ساخته شده.

تا رنج تحمل نکنی گنج نبینی تا شب نرود صبح پدیدار نباشد

تقطیع:

تا	ر	ن	ج	ت	ح	م	ن	گ	ن	گ	ن	نی
-	-	U	-	U	-	-	U	U	-	U	-	-
تا	ش	ب	ن	ر	و	د	ص	پ	د	ر	ن	شد
-	-	U	-	U	-	-	U	U	-	U	-	-
	مستفعل		مستفعل		مستفعل		مستفعل		مستفعل		مستفعل	

۸ مستفعل / مستفعل / مستفعل / مس (= فع) (- - / UU - - / UU - - / UU - -) یا مفعول / مفاعِل / مفاعِل فَعْل (- U / U - - U / U - - U / U - -)

این وزن زیبا یکی از انعطاف پذیرترین و رایج ترین وزن های شعر فارسی است که آن را بیش تر با نام «وزن رباعی» می شناسیم. موسیقی این وزن تشکیل شده از ترکیب سه باره رکن «مستفعل» و آمدن یک رکن «فع» در پایان آن.

به علاوه می توانی این وزن را به صورت «مفعول / مفاعِل / مفاعِل فَعْل (- U / U - - U / U - - U / U - -)» رکن بندی کنی.

این را هم یادآوری کنیم که این وزن در متن درس از قلم نویسنده یا گردآورنده کتاب درسی افتاده؛ اما با توجه به اهمیت آن و از آن جا که این وزن، مکمل وزن قبلی یعنی «مستفعل مستفعل مستفعل مستف (= فع لن)» است، خودمان را موظف به معرفی این وزن دانستیم. حالا بیا بیت نمونه را بررسی کنیم.

ای در تو عیان ها و نهان ها همه هیچ پندار یقین ها و گمان ها همه هیچ

تقطیع:

ای	د	ر	ت	ع	ی	ا	ن	ه	ا	ه	م	هیچ
-	-	U	U	U	-	-	U	U	-	U	U	-لا
پن	دا	ر	ی	ق	ی	ا	گ	م	ا	ه	م	هیچ
-	-	U	U	-	-	U	U	-	U	-	U	-لا
	مستفعل		مستفعل		مستفعل		مستفعل		مستفعل		فعل	

۹ مفتعلن فاعلات مفتعلن فع (- UU - / U - U - / - UU -)

یک وزن بسیار آهنگین است؛ وزنی که که موسیقی آن از به دنبال هم آمدن رکن های «مفتعلن»، «فاعلات»، «مفتعلن»، «فع» درست شده.

پوسٲ
(سؤالات ترکیبی
آرایہ های ادبی)

این بخش مربوط می‌شود به همه موضوعاتی که در سه‌گانه علوم و فنون درباره آرایه‌های ادبی خواندی. بخشی مطابق آن چه در کنکور سراسری با آن روبه‌رو خواهی شد. جایی که باید تمام دانسته‌هایت را کنار هم بگذاری و از پس سؤالات بریایی. برای این‌که مهارت و تسلط‌ات را بالا ببری، تست‌ها را تیپ‌بندی کرده‌ایم و در ابتدای هر تیپ توضیحاتی درباره شیوه حل آن‌ها آورده‌ایم. دست بجنبان! وقت تنگ است.

تیپ اول: آرایه‌های ترکیبی

«آرایه در گزینه» تیپ رایج و پرکاربرد در طراحی سؤال ترکیبی است. برای پاسخ‌گویی، یک نگاه کلی به بیت سؤال بینداز. و تا حد امکان سعی کن معنی‌اش کنی این طوری، اگر آرایه‌های جداگانه را خوب یاد گرفته باشی، در سؤال ترکیبی تیپ (۱) با همان نگاه کلی، آرایه‌های برجسته‌تر خودشان را نشانت می‌دهند. این را داشته باش و برو سراغ گزینه‌ها و از اولویت‌بندی، مقایسه و ردّ گزینه کمک بگیر. حواست باشد در تست‌های ترکیبی آرایه‌هایی مثل تناسب، واج‌آرایی یا کنایه چندان به کارت نمی‌آیند.

(اختصاصی انسانی ۹۹)

جهانی را ز باغ عشق برخوردار می‌بینم»

(۳) تشبیه، استعاره، جناس، مجاز (۴) کنایه، ایهام، مجاز، واج‌آرایی

(اختصاصی انسانی ۹۹)

تویی آن کس که در عالم به جفت ابروان طاقی»

(۲) تشبیه، مجاز، ایهام تناسب، تضاد
(۴) استعاره، ایهام، اغراق، پارادوکس

(اختصاصی انسانی خارج از کشور ۹۹)

یوسف خود را به سیم قلب سودا کرد و رفت»

(۲) استعاره، تشبیه، ایهام، تناسب
(۴) تشبیه، حسن‌تعلیل، مجاز، ایهام تناسب

(اختصاصی انسانی خارج از کشور ۹۹)

تلخ نشینند عبث معشوق شیرین کار ما»

(۲) استعاره، حس‌آمیزی، ایهام، کنایه
(۴) حس‌آمیزی، مجاز، پارادوکس، ایهام

(اختصاصی انسانی ۹۸)

تشنه روی توام بازمدار از من آب

(۲) استعاره، تشبیه، کنایه، جناس همسان
(۴) استعاره، ایهام تناسب، مجاز، جناس همسان

(اختصاصی انسانی خارج از کشور ۹۸)

در خون خویش بنشانند از تیر دل‌نشینم»

(۲) تشبیه، جناس، کنایه، ایهام
(۴) جناس، تشبیه، ایهام تناسب، مجاز

(اختصاصی انسانی خارج از کشور ۹۸)

چو در محبت شیرین هلاک شد فرهاد»

(۳) اغراق، تشخیص (۴) تلمیح، حسن‌تعلیل

۲۵۳۹ آرایه‌های بیت زیر کدامند؟

«ز باغ حسن خود بر خور که من در سایه سروت

(۱) تشبیه، جناس، ایهام، کنایه (۲) استعاره، مجاز، کنایه، ایهام

۲۵۴۰ آرایه‌های بیت زیر کدامند؟

«تو داری طاق ابرویی که جفتش نیست در عالم

(۱) تشبیه، تضاد، ایهام، جناس تام
(۳) پارادوکس، جناس ناقص، کنایه، اغراق

۲۵۴۱ آرایه‌های بیت زیر کدامند؟

«هر که دل از دست داد و عشوه دنیا خرید

(۱) استعاره، کنایه، حسن‌تعلیل، ایهام
(۳) تشبیه، کنایه، مجاز، اسلوب‌معاذله

۲۵۴۲ آرایه‌های بیت زیر، در کدام گزینه تماماً درست است؟

«ما به خون خود دهان تیشه شیرین می‌کنیم

(۱) تشخیص، مجاز، تضاد، جناس
(۳) جناس، استعاره، ایهام، تشخیص

۲۵۴۳ آرایه‌های بیت زیر، کدام است؟

«زننده به بوی توام بوی ز من وا مگیر

(۱) کنایه، تشبیه، ایهام تناسب، مجاز
(۳) کنایه، تشبیه، ایهام، جناس ناهمسان

۲۵۴۴ آرایه‌های بیت زیر، کدام است؟

«تا با کمان ابرو بنشست در کمینم

(۱) استعاره، مجاز، تلمیح، ایهام
(۳) استعاره، اغراق، جناس، پارادوکس

۲۵۴۵ بیت زیر، «فاقد» کدام آرایه‌های ادبی است؟

«به خون لعل فرورفت کوه سنگین‌دل

(۱) تشبیه، کنایه (۲) مجاز، جناس

(عمومی انسانی ۹۸)

می رود آب حیات از چشمه نوش شما»

- (۲) مجاز، جناس تام، تضاد، تلمیح
(۴) مجاز، ایهام، تشخیص، پارادوکس

(عمومی ریاضی ۹۸)

که آب شیرین چو یخندی برود از شکرتم»

- (۲) تشبیه، ایهام، مجاز، حسن تعلیل
(۴) تشبیه، ایهام، استعاره، ایهام تناسب

(عمومی ریاضی ۹۸)

جوش می در جگر خم ز سر بسته بود»

- (۳) تشبیه، مراعات نظیر (۴) مجاز، اسلوب معادله

(عمومی تجربی ۹۸)

که پرده بر دل خونین به بوی او بدریدم»

- (۲) ایهام، تشبیه، جناس، کنایه
(۴) مجاز، ایهام، مراعات نظیر، حس آمیزی

(عمومی هنر ۹۸)

هر نوایی را که وا دیدم خموشی می سرود»

- (۲) تشبیه، مجاز، پارادوکس، کنایه، حسن تعلیل
(۴) استعاره، اغراق، ایهام تناسب، جناس، حس آمیزی

(عمومی زبان ۹۸)

عالمی تشنه و عالم همه پر آب زلال»

- (۲) ایهام، مجاز، مراعات نظیر، تشبیه
(۴) استعاره، ایهام تناسب، مجاز، اغراق

(عمومی زبان ۹۸)

شیرازه گلزار بود خار و خس ما»

- (۲) استعاره، پارادوکس، مجاز، حسن تعلیل
(۴) استعاره، حسن تعلیل، اسلوب معادله، مجاز

(اختصاصی انسانی خارج از کشور ۹۷)

آرایه‌های بیت «به حجاب اندرون شود خورشید / چون توگیری از آن دو لاله حجب (= حجاب)» کدام‌اند؟

- (۲) استعاره - اغراق - تشخیص - حسن تعلیل
(۴) تشخیص - کنایه - مجاز - اسلوب معادله

(عمومی انسانی ۹۷)

که تا بزاد و بشد جام می ز کف نهاد»

- (۲) حسن تعلیل - ایهام - مجاز - کنایه
(۴) استعاره - تشبیه - کنایه - ایهام تناسب

(عمومی ریاضی ۹۷ با تغییر)

که هم چون دژه در مهرش گرفتار هوا ماند»

- (۲) تشبیه - استعاره - ایهام تناسب
(۴) استعاره - ایهام تناسب - جناس

(عمومی تجربی ۹۷)

باری به هیچ روی ز من روی برمتاب»

- (۲) تشبیه - ایهام - جناس تام - کنایه
(۴) ایهام تناسب - استعاره - تناسب - واج‌آرایی

آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

«آب آتش می برد خورشید شب پوش شما

- (۱) استعاره، تشخیص، تلمیح، تضاد
(۳) ایهام، استعاره، جناس تام، پارادوکس

آرایه‌های بیت زیر، کدام است؟

«جای خنده است سخن گفتن شیرین پیشت

- (۱) استعاره، مجاز، کنایه، تلمیح
(۳) استعاره، ایهام تناسب، تلمیح، تناقض

بیت زیر «فاقد» کدام آرایه‌های ادبی است؟

«شود از مهر خموشی دل خامش گویا

- (۱) ایهام، حس آمیزی (۲) استعاره، تناقض

آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

«چو غنچه بر سرم از کوی او گذشت نسیمی

- (۱) تشبیه، مجاز، تلمیح، تضاد
(۳) کنایه، تشبیه، حس آمیزی، مجاز

آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

«ساز هستی غیر آهنگ عدم چیزی نداشت

- (۱) استعاره، مجاز، ایهام، تضاد، حسن تعلیل
(۳) تشبیه، تضاد، ایهام، پارادوکس، حس آمیزی

آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

«شکرتم شور جهانی و جهانی مشتاق

- (۱) استعاره، ایهام، تضاد، مراعات نظیر
(۳) تشبیه، ایهام تناسب، جناس تام، تضاد

آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

«بی‌برگی ما برگ نشاط است چمن را

- (۱) تشبیه، استعاره، پارادوکس، مجاز
(۳) تشبیه، تضاد، کنایه، اسلوب معادله

آرایه‌های بیت «به حجاب اندرون شود خورشید / چون توگیری از آن دو لاله حجب (= حجاب)» کدام‌اند؟

- (۱) اغراق - استعاره - ایهام تناسب - کنایه
(۳) ایهام تناسب - مجاز - تشخیص - مراعات نظیر

آرایه‌های بیت زیر، در کدام گزینه «تماماً» درست است؟

«مگر که لاله بدانست بی‌وفایی دهر

- (۱) کنایه - تشبیه - مجاز - ایهام
(۳) استعاره - تضاد - مجاز - حسن تعلیل

آرایه‌های بیت زیر، کدام است؟

«قضای لازم است آن را که بر خورشید عشق آرد

- (۱) تشبیه - ایهام - مجاز
(۳) استعاره - کنایه - اسلوب معادله

آرایه‌های بیت زیر، در کدام گزینه «تماماً» درست آمده است؟

«بر روی چون مه ارچه بتابی کمند زلف

- (۱) مجاز - تشبیه - جناس - تشخیص
(۳) استعاره - ایهام - جناس تام - مجاز

(عمومی هنر ۹۷)

دو زلف افعی ضحاک و چهره جام جم است»

(۱) تلمیح - جناس - استعاره - مجاز (۲) تشبیه - پارادوکس - جناس - ایهام (۳) مجاز - تلمیح - تشبیه - ایهام (۴) تشبیه - پارادوکس - تلمیح - جناس

(عمومی زبان ۹۷)

نور خورشید فروزنده نگردد کم و بیش»

(۱) جناس - ایهام - کنایه - حسن تعلیل (۲) استعاره - تشبیه - اسلوب معادله - مجاز (۳) جناس تام - استعاره - تضاد - حسن تعلیل (۴) جناس تام - ایهام تناسب - اسلوب معادله - استعاره

(عمومی خارج از کشور ۹۷)

نه چنگ به قانون و نه دف بر دست است»

(۱) استعاره - مجاز - ایهام - حسن تعلیل (۲) تشبیه - استعاره - ایهام - کنایه (۳) استعاره - مجاز - کنایه - حسن تعلیل (۴) تشبیه - جناس - ایهام تناسب - کنایه

(اختصاصی انسانی ۹۶)

که بوی باد مدامم دماغ تر دارد»

(۱) حس آمیزی، ایهام، اغراق (۲) تشبیه فشرده، ایهام تناسب، لف و نشر (۳) کنایه، تضاد، ایهام تناسب (۴) متناقض‌نما، تشخیص، حس آمیزی

(اختصاصی انسانی ۹۶)

گر نوازش یابم از ایام رسوا می شوم»

(۱) استعاره، تشبیه، مجاز، حسن تعلیل (۲) تشبیه، ایهام تناسب، ایهام، مجاز (۳) تشبیه، ایهام، استعاره، حس آمیزی (۴) استعاره، کنایه، ایهام تناسب، حس آمیزی

(اختصاصی انسانی ۹۶)

آرایه‌های بیت «از بس که با جان و دلم ای جان و دل آمیختی / چون نکهت از آغوش گل بوی تو خیزد از گلم» کدام‌اند؟

(۱) استعاره - تشبیه - تشخیص - جناس - مجاز (۲) استعاره - مراعات نظیر - جناس - ایهام - کنایه (۳) تشبیه - کنایه - تشخیص - ایهام - حس آمیزی (۴) مراعات نظیر - ایهام تناسب - نغمه حروف - تضمین

(اختصاصی انسانی خارج از کشور ۹۶)

هرکه سر از پا نمی‌داند در این سودا سر است»

(۱) تشبیه، استعاره، کنایه، حسن تعلیل (۲) ایهام تناسب، ایهام، جناس، تشبیه (۳) استعاره، مجاز، جناس، اسلوب معادله (۴) ایهام تناسب، تشبیه، استعاره، حسن تعلیل

(عمومی خارج از کشور ۹۶)

پیش نطق شکرینت چو نی انگشت بخاید»

(۱) استعاره - حس آمیزی - مجاز - حسن تعلیل (۲) استعاره - حس آمیزی - نغمه حروف - کنایه (۳) تشبیه - مجاز - حسن تعلیل - ایهام تناسب (۴) تشبیه - ایهام - نغمه حروف - مراعات نظیر

(عمومی ریاضی ۹۶)

بس که به هجر می‌دهد عشق تو گوش مال من»

(۱) استعاره - مجاز - جناس - ایهام (۲) کنایه - مجاز - تشبیه - حسن تعلیل (۳) کنایه - تشبیه - حسن تعلیل - واج آرایی (۴) استعاره - کنایه - جناس - واج آرایی

(عمومی تجربی ۹۶)

چه می‌گویی چنین شیرین که شوری در من افکندی»

(۱) ایهام - تلمیح - تضاد (۲) ایهام تناسب - اغراق - حسن تعلیل (۳) تضاد - تلمیح - حس آمیزی (۴) کنایه - حس آمیزی - ایهام تناسب

(عمومی زبان ۹۶)

گل ز سودای رخت افتاده در بازارها»

(۱) تشبیه - ایهام تناسب - کنایه - تشخیص (۲) تشبیه - پارادوکس - مراعات نظیر - تضاد (۳) ایهام تناسب - اسلوب معادله - تشخیص - کنایه

۲۵۵۷ آرایه‌های بیت زیر، در کدام گزینه «تماماً» درست آمده است؟

«تو را که موی میان هم وجود و هم عدم است

(۱) تلمیح - جناس - استعاره - مجاز (۲) تشبیه - پارادوکس - جناس - ایهام (۳) مجاز - تلمیح - تشبیه - ایهام (۴) تشبیه - پارادوکس - تلمیح - جناس

۲۵۵۸ آرایه‌های بیت زیر کدام است؟

«مهر آن مهر، فروغی، نپذیرد نقصان

(۱) جناس - ایهام - کنایه - حسن تعلیل

(۲) تشبیه - ایهام - کنایه - حسن تعلیل

۲۵۵۹ آرایه‌های بیت زیر کدام است؟

«در مجلس دهر، ساز مستی پست است

(۱) استعاره - مجاز - ایهام - حسن تعلیل

(۲) تشبیه - ایهام - کنایه - حسن تعلیل

۲۵۶۰ آرایه‌های موجود در بیت زیر، کدام‌اند؟

«ز زهد خشک ملولم کجاست باده ناب

(۱) حس آمیزی، ایهام، اغراق

(۲) تشبیه فشرده، ایهام تناسب، لف و نشر

۲۵۶۱ آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

«ساز بی‌آهنگم و یک‌سر نوایم خارج است

(۱) استعاره، تشبیه، مجاز، حسن تعلیل

(۲) تشبیه، ایهام، استعاره، حس آمیزی

۲۵۶۲ آرایه‌های بیت «از بس که با جان و دلم ای جان و دل آمیختی / چون نکهت از آغوش گل بوی تو خیزد از گلم» کدام‌اند؟

(۱) استعاره - تشبیه - تشخیص - جناس - مجاز

(۲) استعاره - مراعات نظیر - جناس - ایهام - کنایه

۲۵۶۳ آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

«موشکافی را رواجی نیست در بازار عشق

(۱) تشبیه، استعاره، کنایه، حسن تعلیل

(۲) ایهام تناسب، ایهام، جناس، تشبیه

۲۵۶۴ آرایه‌های بیت زیر، در کدام گزینه «تماماً» درست آمده است؟

«نیشکر با همه شیرینی اگر لب بگشایی

(۱) استعاره - حس آمیزی - مجاز - حسن تعلیل

(۲) تشبیه - مجاز - حسن تعلیل - ایهام تناسب

۲۵۶۵ بیت زیر، دارای کدام آرایه‌هاست؟

«ناله زیر و زار من، زارتر است هر زمان

(۱) استعاره - مجاز - جناس - ایهام

(۲) کنایه - تشبیه - حسن تعلیل - واج آرایی

۲۵۶۶ همه آرایه‌های کدام گزینه، در بیت زیر وجود دارد؟

«ترش بنشین و تیزی کن که ما را تلخ نماید

(۱) ایهام - تلمیح - تضاد

(۲) تشبیه - ایهام تناسب - اغراق - حسن تعلیل

۲۵۶۷ آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

«ای ز مژگان تو در چشم گلسستان خارها

(۱) تشبیه - پارادوکس - مراعات نظیر - تضاد

(۲) تشبیه - ایهام تناسب - اسلوب معادله - تشخیص - کنایه

(اختصاصی انسانی ۹۵)

به شوق سینه سپر کن که تیر می‌آید»

(۲) استعاره، جناس، مجاز، ایهام

(۴) جناس، ایهام تناسب، استعاره، مراعات نظیر

(اختصاصی انسانی خارج از کشور ۹۵)

کز این روشن بیان فانوس شمع طور شد گوشم»

(۳) ایهام - پارادوکس (۴) تشبیه - حسن تعلیل

(اختصاصی انسانی خارج از کشور ۹۵)

که در گفتار شیرین خسروم داده است فرمانی»

(۲) کنایه - واج آرای - مراعات نظیر - حسن تعلیل

(۴) حسن تعلیل - ایهام تناسب - استعاره - اسلوب معادله

(عمومی ریاضی ۹۵ / با تغییر)

به قدد و قامتت بینم روان در پای او ریزم»

(۱) استعاره - مراعات نظیر (۲) ایهام تناسب - اسلوب معادله (۳) تشبیه - تشخیص (۴) کنایه - جناس

(عمومی تجربی ۹۵)

آفتاب آسا کند در شب تجلی روی تو»

(۲) استعاره - تلمیح - حسن تعلیل - تشبیه

(۴) تشخیص - حسن تعلیل - جناس - متناقض‌نما

(عمومی هنر ۹۵)

با وجود جود دستت برق خندان بر سحاب»

(۳) ایهام - حس آمیزی (۴) تشخیص - مراعات نظیر

(عمومی زبان ۹۵)

مردمان بوی تو یابند ز رنگ سخنم»

(۱) ایهام - حسن تعلیل - کنایه (۲) استعاره - حس آمیزی - کنایه (۳) استعاره - ایهام تناسب - تشبیه (۴) ایهام - تشبیه - حس آمیزی

در بیت «مکن عیبم که می‌کاهم چو ماه از تاب مهر او / که گر ماهی تب هجرش کشد کوهی شود کاهی» کدام آرایه‌ها وجود ندارد؟

(اختصاصی انسانی خارج از کشور ۹۴)

(۲) استعاره - ایهام - حسن تعلیل

(۴) ایهام تناسب - تشخیص - مراعات نظیر

(عمومی ریاضی ۹۴)

دار، نخل دیگران و رایت منصور ماست»

(۲) استعاره - تشبیه - ایهام تناسب - جناس

(۴) تشبیه - ایهام تناسب - تناقض - تلمیح

(عمومی تجربی ۹۴)

مور را شیرین سخن دست سلیمان کرده است»

(۲) کنایه - تشخیص - حسن تعلیل - جناس تام

(۴) استعاره - تلمیح - اسلوب معادله - حسن تعلیل

(اختصاصی انسانی خارج از کشور ۹۳)

که همه عمر من اندر سر آن سودا شد»

(۲) حسن تعلیل - کنایه - مجاز - مراعات نظیر

(۴) تشبیه - استعاره - مراعات نظیر - جناس تام

۲۵۶۸ همه آرایه‌های بیت زیر، در کدام گزینه درست ذکر شده است؟

«کمان ابروی او گر کمین غمزه گشود

(۱) تشبیه، ایهام، کنایه، مجاز

(۳) استعاره، کنایه، تشبیه، جناس

۲۵۶۹ آرایه‌های کدام گزینه در بیت وجود ندارد؟

«مشو از حرف عشق ای خامه آتش‌زبان خامش

(۱) استعاره - تلمیح (۲) مجاز - تشخیص

۲۵۷۰ آرایه‌های بیت زیر از فروغی بسطامی کدام هستند؟

«فروغی شهره هر شهر شد شعرم به شیرینی

(۱) واج آرای - ایهام - تلمیح - حس آمیزی

(۳) استعاره - تشبیه - اسلوب معادله - مراعات نظیر

۲۵۷۱ آرایه‌های کدام گزینه در بیت زیر موجود نیست؟

«چو آب آشفته جان بر کف دوانم تاکجا سروی

(۱) استعاره - مراعات نظیر (۲) ایهام تناسب - اسلوب معادله

۲۵۷۲ کدام آرایه‌ها «تماماً» در بیت زیر وجود دارد؟

«ماه و پروین از خجالت رخ فروپوشد اگر

(۱) مجاز - کنایه - تشبیه - استعاره

(۳) مجاز - اسلوب معادله - تضاد - کنایه

۲۵۷۳ بیت زیر، فاقد کدام آرایه‌هاست؟

«با شکوه کوه فضلت ابر گریان بر جبال

(۱) تشبیه - تضاد (۲) استعاره - جناس

۲۵۷۴ آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

«لب بیستم ز سخن ای گل خندان که مباد

(۱) ایهام - حسن تعلیل - کنایه (۲) استعاره - حس آمیزی - کنایه (۳) استعاره - ایهام تناسب - تشبیه (۴) ایهام - تشبیه - حس آمیزی

۲۵۷۵

در بیت «مکن عیبم که می‌کاهم چو ماه از تاب مهر او / که گر ماهی تب هجرش کشد کوهی شود کاهی» کدام آرایه‌ها وجود ندارد؟

(اختصاصی انسانی خارج از کشور ۹۴)

(۲) استعاره - ایهام - حسن تعلیل

(۴) ایهام تناسب - تشخیص - مراعات نظیر

(عمومی ریاضی ۹۴)

دار، نخل دیگران و رایت منصور ماست»

(۲) استعاره - تشبیه - ایهام تناسب - جناس

(۴) تشبیه - ایهام تناسب - تناقض - تلمیح

(عمومی تجربی ۹۴)

مور را شیرین سخن دست سلیمان کرده است»

(۲) کنایه - تشخیص - حسن تعلیل - جناس تام

(۴) استعاره - تلمیح - اسلوب معادله - حسن تعلیل

(اختصاصی انسانی خارج از کشور ۹۳)

که همه عمر من اندر سر آن سودا شد»

(۲) حسن تعلیل - کنایه - مجاز - مراعات نظیر

(۴) تشبیه - استعاره - مراعات نظیر - جناس تام

۲۵۷۸ در کدام گزینه، همه آرایه‌های موجود در بیت زیر، ذکر شده است؟

«همه سرسبزی سودای رخت می‌خواهم

(۱) استعاره - مجاز - کنایه - واج آرای

(۳) کنایه - تشبیه - ایهام - واج آرای

(اختصاصی انسانی ۹۳)

- ۲۵۷۹ آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟
 «به سخن دعوی حق را نتوان برد از پیش
 (۱) کنایه - جناس - ایهام - تلمیح
 (۳) لَفّ و نشر - استعاره - تلمیح - متناقض‌نما

(عمومی ریاضی ۹۳)

- ۲۵۸۰ آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟
 «هرچند زمین‌گیر بود دانۀ اُمّید
 (۱) کنایه - تشبیه - مجاز - ایهام
 (۳) استعاره - تشبیه - جناس - تشخیص

(عمومی هنر ۹۳)

- ۲۵۸۱ کدام آرایه‌ها در بیت زیر، «تماماً» موجود است؟
 «هستند بی‌قرار چو زلف تو عالمی
 (۱) تشخیص - اغراق - مراعات نظیر - کنایه - ایهام تناسب
 (۳) تشبیه - کنایه - ایهام تناسب - جناس - تشخیص

(عمومی زبان ۹۳)

- ۲۵۸۲ آرایه‌های بیت «مشو غمگین در میخانه راگر محتسب گل زد / که جوش گل شراب لعل فام آورد مستان را» کدام‌اند؟
 (۱) کنایه - جناس - استعاره - تشبیه
 (۳) کنایه - مجاز - حسن تعلیل - جناس تام

(اختصاصی انسانی خارج از کشور ۹۳)

- ۲۵۸۳ در بیت «عیش دل شکسته عزا می‌کنی چرا / عیدم تویی که من به تو قربان نیامدی» کدام آرایه وجود ندارد؟
 (۱) کنایه - استعاره (۲) ایهام تناسب - تضاد (۳) مراعات نظیر - تشبیه (۴) مجاز - حس آمیزی

(عمومی انسانی ۹۳)

- ۲۵۸۴ آرایه‌های بیت «جان می‌رسد به لب، من شیرین کلام را / تا حرف تلخی از دهن یار می‌کشم» کدام است؟
 (۱) کنایه - مجاز - حس آمیزی - تضاد
 (۳) ایهام - مراعات نظیر - تضاد - استعاره

(عمومی خارج از کشور ۹۳)

- ۲۵۸۵ آرایه‌های بیت زیر، کدام است؟
 «سعدی شیرین زبان، این همه شور از کجا؟
 (۱) مجاز - تشبیه - کنایه - تلمیح
 (۳) ایهام - کنایه - استعاره - تضاد

(عمومی ریاضی ۹۳/با تغییر)

- ۲۵۸۶ کدام گروه از آرایه‌های ادبی، همگی، در بیت «آخر ای مطرب از این پرده عشاق بگرد / چند گویی که مرا پرده به چنگ تو درید» یافت می‌شود؟
 (۱) کنایه - ایهام تناسب - جناس تام
 (۳) استعاره - جناس تام - تشبیه

(عمومی هنر ۹۳)

- ۲۵۸۷ آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟
 «فرهاد شورا نگیز اگر در پای سنگی جان بداد
 (۱) تلمیح - ایهام - حس آمیزی - کنایه
 (۳) تشبیه - حس آمیزی - تلمیح - تشخیص

(عمومی هنر ۹۳)

- ۲۵۸۸ آرایه‌های موجود در بیت «اگر از سینۀ مور ضعیفی پرده برداری / هزاران کوه غم بر دل از آن موی کمر دارد» در کدام گزینه تماماً درست است؟
 (۱) ایهام - کنایه - مجاز - جناس - تلمیح
 (۳) تناقض - تشبیه - مجاز - اغراق - اسلوب معادله

(اختصاصی انسانی ۹۱)

- ۲۵۸۹ آرایه‌های بیت «از بس که با جان و دلم این جان و دل آمیختی / چون نکمته از آغوش گل بوی تو خیزد از گلم» کدام‌اند؟
 (۱) استعاره - تشبیه - تشخیص - جناس - مجاز
 (۳) تشبیه - کنایه - تشخیص - ایهام - حس آمیزی

(اختصاصی انسانی ۹۱)

- ۲۵۹۰ آرایه‌های کدام گزینه تماماً در بیت «برکنم از زمین دل بیخ امل به بیل غم / خار اجل ز راه جان بر نکم، دریغ من» وجود دارد؟
 (۱) ایهام - جناس - تضاد - لَفّ و نشر
 (۳) تشبیه - استعاره مکنیه - مراعات نظیر - لَفّ و نشر

- ۲۵۹۱** در بیت «از جنگ غم خلاص تمنی کنم ز دهر / کافغان به نای حلق چو ارغن (= نوعی ساز) درآورم» کدام آرایه‌های ادبی «تماماً» یافت می‌شود؟
 (۱) استعاره - ایهام - تضاد - مجاز
 (۲) استعاره - ایهام تناسب - حسن تعلیل - مجاز
 (۳) تشخیص - ایهام - تشبیه - کنایه
 (۴) تشخیص - تشبیه - استعاره - ایهام تناسب
 (اختصاصی انسانی ۹۱)
- ۲۵۹۲** در منظومه «... نرسیده به درخت / کوچه‌باغی است که از خواب خدا سبزتر است / و در آن عشق به اندازه پره‌های صداقت آبی است / می‌روی تا ته آن کوچه که از پشت بلوغ، / سر به در می‌آرد و تو را ترسی شفاف فرا می‌گیرد...» به ترتیب چند «حس آمیزی» و چند «تشبیه» وجود دارد؟
 (۱) دو - یک
 (۲) دو - دو
 (۳) سه - یک
 (۴) سه - دو
 (اختصاصی انسانی ۹۱)
- ۲۵۹۳** آرایه‌های منظومه «... شب خرداد به آرامی یک مرثیه از روی سر ثانیه‌ها می‌گذرد / و نسیمی خنک از حاشیه سبز پتو خواب مرا می‌روید / بوی هجرت می‌آید / بالش من پر آواز پر چلچله‌هاست» کدام است؟
 (۱) تشبیه - جناس تام - حس آمیزی - کنایه
 (۲) استعاره مصرحه - مجاز - جناس تام - تشخیص
 (۳) تشبیه - استعاره مکنیه - کنایه - جناس ناقص
 (۴) جناس ناقص - مجاز - حس آمیزی - حسن تعلیل
 (اختصاصی انسانی خارج از کشور ۹۱)
- ۲۵۹۴** آرایه‌های بیت «به حجاب اندرون شود خورشید / چون توگیری از آن دو لاله حجب (= حجاب)» کدام‌اند؟
 (۱) اغراق - استعاره - ایهام تناسب - کنایه
 (۲) استعاره - اغراق - تشخیص - حسن تعلیل
 (۳) ایهام تناسب - مجاز - تشخیص - مراعات نظیر
 (۴) تشخیص - کنایه - مجاز - اسلوب معادله
 (اختصاصی انسانی خارج از کشور ۹۱)
- ۲۵۹۵** آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟
 «هرچند چو گل‌گوش فکندیم در این باغ»
 (۱) تشبیه - مجاز - کنایه - استعاره
 (۲) تشبیه - تشخیص - جناس - حس آمیزی
 (۳) استعاره - مراعات نظیر - تشخیص - ایهام
 (۴) مجاز - ایهام - حس آمیزی - مراعات نظیر
 (عمومی انسانی ۹۱)
- ۲۵۹۶** کدام آرایه‌ها در بیت زیر وجود ندارد؟
 «من بستۀ دام تو، سرمست مدام تو»
 (۱) ایهام - جناس تام
 (۲) ایهام - نغمه حروف
 (۳) تشبیه - مجاز - کنایه - استعاره
 (۴) تشبیه - تشخیص - جناس - حس آمیزی
 (عمومی تجربی ۹۱)
- ۲۵۹۷** آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟
 «سایه بالای آن سر از سر من کم مباد»
 (۱) استعاره - مجاز - متناقض‌نما - جناس تام
 (۲) تشبیه - جناس ناقص - مجاز - حسن تعلیل
 (۳) کنایه - استعاره - جناس تام - تشبیه
 (۴) حسن تعلیل - کنایه - مراعات نظیر - تضاد
 (عمومی تجربی ۹۱)
- ۲۵۹۸** آرایه‌های بیت «خشت زیر سر و بر تارک هفت‌اختر پای / دست قدرت نگر و منصب صاحب‌جاهی» در کدام گزینه تماماً درست است؟
 (۱) استعاره - جناس - کنایه - پارادوکس
 (۲) استعاره - تضاد - تشبیه - مراعات نظیر
 (۳) تشبیه - جناس - تشخیص - مجاز
 (۴) تضاد - مراعات نظیر - حسن تعلیل - مجاز
 (عمومی هنر ۹۱)
- ۲۵۹۹** آرایه‌های بیت «به مهلتی که سپهرت دهد ز راه مرو / تو را که گفت که این زال ترک دستان گفت» در کدام گزینه تماماً درست آمده است؟
 (۱) استعاره - ایهام تناسب - کنایه
 (۲) تشخیص - اسلوب معادله - حسن تعلیل
 (۳) ایهام تناسب - کنایه - اسلوب معادله
 (۴) تلمیح - استعاره - حسن تعلیل
 (عمومی زبان ۹۱)
- ۲۶۰۰** آرایه‌های بیت «نقد دلی که بود مرا صرف باده شد / قلب سیاه بود از آن در حرام رفت» در کدام مورد تماماً درست است؟
 (۱) ایهام - نغمه حروف - پارادوکس
 (۲) ایهام - مراعات نظیر - اسلوب معادله
 (۳) تشبیه - ایهام - حسن تعلیل
 (۴) تشبیه - مراعات نظیر - اسلوب معادله
 (عمومی خارج از کشور ۹۱)
- ۲۶۰۱** آرایه‌های بیت «دهر سیه‌کاسه‌ای ست ما همه مهمان او / بی‌نمکی تعبیه‌ست در نمک خوان او» کدام است؟
 (۱) کنایه - تشبیه - پارادوکس - استعاره
 (۲) کنایه - ایهام تناسب - تضاد - تشخیص
 (۳) استعاره - کنایه - تضاد - اسلوب معادله
 (۴) تشبیه - پارادوکس - مراعات نظیر - ایهام تناسب
 (اختصاصی انسانی ۹۰)
- ۲۶۰۲** آرایه‌های بیت زیر کدام است؟
 «طبع تو سیر آمد از من جای دیگر دل نهاد»
 (۱) تشبیه - مجاز - کنایه - جناس
 (۲) تشخیص - استعاره - تشبیه - حسن تعلیل
 (۳) کنایه - جناس - حسن تعلیل - مراعات نظیر
 (۴) تشبیه - استعاره - مجاز - لف و نشر
 (اختصاصی انسانی ۹۰)

۲۶ ۲ قرار گرفتن قافیه در پایان هر دو مصراع یک بیت، نشانه این است که قالب شعر می تواند «مثنوی» باشد، در سایر گزینه‌ها، دو مصراع، هم‌قافیه نیستند.
۲۷ ۱ در قالب مثنوی، مصراع‌ها دو به دو هم‌قافیه‌اند.

بررسی گزینه (۱): ردیف: است / واژگان قافیه: سر، رهبر

بررسی سایر گزینه‌ها:

در هر سه گزینه دیگر، مصراع‌های اول و دوم هم‌قافیه نیستند و با توجه به فضای عاشقانه آن‌ها، قالب اشعار، غزل است.

۲۸ ۳ **بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) تشبیه روح به طوطی / تشبیه کلام به قوت
(۲) تشبیه لب به لعل
(۴) تشبیه لب به یاقوت / تشبیه دندان به مروارید

۲۹ ۴ **بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) تشبیه روز بدون تو (معشوق) به شب / [این موضوع] به روز
(۲) تشبیه خورشید به روی تو / خورشید به بندگان
(۳) روی به مه / زلف به کمند

۳۰ ۱ **بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۲) روی به مه / آستان به سجده‌گه
(۳) سیلاب سرشک (اضافه تشبیهی) / طوفان بلا (اضافه تشبیهی)
(۴) بالا (قامت) معشوق به شاخ شمشاد، سرو سهی، نارون و صنوبر، و بلا (به تعبیری)
۳۱ ۳ تشبیه زلف به کمند / ابرو به کمان / قامت به سرو / روی به بهار (۴ مورد)

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) آتش غم به آتش / تو به پروانه / تو به شمع (۳ مورد)
— (۲)

(۴) مس وجود (۱ مورد)

۳۲ ۳ در گزینه (۳) نوکل استعاره از معشوق است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) کشته شدن فراق، نسبت دادن روز (بخت و اقبال) و خان و مان به آن و نیز نفرین در حق آن
(۲) مخاطب قرار گرفتن باد صبا و این که صبا بتواند یاری کند، ببیند، رنجه شود و بنگرد.
(۴) نسبت دادن رخ و نقاب به اندیشه / نسبت دادن زلف به سخن و شانه زدن آن

۳۳ ۲ **بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) گریستن ساغر می و نالیدن چنگ
(۳) جان‌بخشی به گل و صبا (پرده افکندن باد صبا از رخسار گل)
(۴) شرمگین و پنهان شدن مه

۳۴ ۴ **بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) جان‌بخشی به حسن و برق
(۲) جان‌بخشی به ردا
(۳) جان‌بخشی به عشق و ریگ

۳۵ ۳ **بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) خوشه‌چینی کنایه از گدایی / خرمن‌سوز بودن کنایه از مال‌باخته و ناکام بودن
(۲) نقش کسی از لوح دل و جان رفتن کنایه از بی‌مهر شدن نسبت به او
(۴) بر باد رفتن کنایه از نابود شدن

۳۶ ۳ **بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) دهان کسی را دوختن کنایه از او را وادار به سکوت کردن / پرده‌داری کنایه از رسوا کردن
(۲) دست شستن کنایه از ترک کردن و صرف نظر کردن / دست کسی را گرفتن کنایه از یاری کردن / کسی را در دل گذاشتن کنایه از به او عشق ورزیدن
(۴) پا فشردن کنایه از اصرار کردن / چیزی را از دست کسی گرفتن کنایه از آن را از مالکیت و اختیار او به درآوردن / دل از دست کسی گرفتن کنایه از او را عاشق کردن / از کف دادن کنایه از درباختن

۳۷ ۳ **بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) چین، ترک، روم، بربر / بنفشه، گل، سمن / زلف، رو، بر
(۲) دست، پا
(۴) ماه، خورشید / کام، امید

۳۸ ۲ **مراعات نظیر: زلف، چشم، ابرو [، گفتار] (دست کم ۳ مورد)**

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) طبیب و مرهم (۲ مورد)
(۳) عرضه کردن، بازار (۲ مورد)
(۴) ستم و ستم‌کار (۲ مورد)

۳۹ ۱ **بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۲) به سر رسید ≠ به سر نرسید
(۳) حقیقت ≠ مجاز
(۴) ظلمت ≠ نور / کفر ≠ ایمان

۴۰ ۲ **بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) بو: ۱- رایحه، شمیم ۲- آرزو، امید
(۳) عهد: ۱- روزگار، دوران ۲- پیمان
(۴) شیرین: ۱- معشوق فرهاد ۲- نوعی مزه

۴۱ ۳ **بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) تو، کسی، خیره (۲) خورشید، گل (۴) رو، به، آفتاب
۴۲ ۲ در این گزینه دو واژه «زاد» جناس تام دارند؛ به ترتیب، به معنی «توشه» و «به دنیا آمد»
بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) تکرار واژه «سرو» (۳) تکرار واژه «دوست» (۴) تکرار واژه «دست»، تو

۴۳ ۲ **بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) تکرار صامت «س»
(۳) تکرار صامت‌های «س» و «ت» و مصوت بلند «ی»
(۴) تکرار صامت «ش» و مصوت کوتاه «ء»

۴۴ ۴ **بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) گردون، گردان (۲) یاد، باد (۳) دوستان، دستان

۴۵ ۱ **بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۲) تشخیص: جان‌بخشی به باد صبا
(۳) واج‌آرایی: تکرار مصوت بلند «ا»
(۴) جناس: باد (جریان هوا)، باد (فعل دعایی) / باد، داد

۴۶ ۲ تشبیه: — / کنایه: ز پا افتادن کنایه از ناکام و ناکارآمد شدن / دست گرفتن کنایه از یاری کردن

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) تشبیه: عشق به آتش / کنایه: سوختن دل و سوختن روان کنایه از رنج و آزار بسیار کشیدن در عشق

(۳) تشبیه: طوفان بلا (اضافه تشبیهی) / سیل غم (اضافه تشبیهی) / کنایه: دل دادن کنایه از عاشق شدن / خانه ز بنیاد بردن کنایه از کاملاً نابود کردن

(۴) تشبیه: پیک اجل (اضافه تشبیهی) / کنایه: دامن کسی را گرفتن در این جا کنایه از او را گرفتار کردن / گریبان جان دریدن کنایه از شیون و بی‌تابی تا حد مرگ

۴۷ ۴ تشبیه (اضافه تشبیهی): آتش خشم

تشخیص: این‌که باد بتواند خبری به گوش معشوق برساند.

مراعات نظیر: آب، باد، خاک و آتش (مجموعه عناصر چهارگانه)

۴۸ ۴ واج آرایی: تکرار مصوت بلند «ا» (۷ بار) و صامت «ر» (۵ بار)

تکرار: واژه کوه / جناس: کوه، کاه / تضاد: کوه ≠ کاه / تشخیص: این‌که سیل عشق کوه را برباید، تشخیص است. / تشبیه: کوه به کاه / سیل عشق / صبر به کوه قاف

۴۹ ۱ تشبیه (بیت «د»): تشبیه رخ به چمن و باغِ نسرین / تشبیه قد به حرف «الف» و سرو سیمین

جناس (بیت «ه»): دور، دوش / ماه، آه

تشخیص (بیت «ب»): نسبت دادن صفت «دوان» به اشک

کنایه (بیت «الف»): چشم عقاب نداشتن کنایه از تیزبین نبودن / دل شهباز نداشتن کنایه از جرأت نداشتن

تضاد (بیت «ج»): بهشت ≠ دوزخ / نیست ≠ است

۵۰ ۱ متن بیانگر «نگرش خردگرا»ی نویسنده و توصیه او به «هشیاری» است.

۵۱ ۲ در این گزینه، رفتار و عملکرد شخص مورد نظر، از سوی خردمندان مورد سرزنش و تمسخر است، اما پیام بیت، دعوت به خردمندی نیست.

۵۲ ۳ در این گزینه به «غم‌گرایی» اشاره شده، اما در سایر گزینه‌ها، ویژگی فکری «شادی‌گرا» مورد توجه است.

۵۳ ۳ منظور از «رنگ و بوی فکری و حال و هوای مفهومی چیره بر متن» بررسی «قلمروی فکری» و مفاهیم است.

مفهوم گزینه (۳): دعوت به خوش‌باشی و کام‌جویی و غنیمت شمردن فرصت

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

ترک تعلقات و وابستگی‌های دنیوی

۵۴ ۳ ویژگی فکری گزینه (۳): ناتوانی خرد در شناسایی عشق و زیبایی

ویژگی فکری سایر گزینه‌ها:

ستایش خرد و خردورزی

۵۵ ۳ مفهوم گزینه (۳): غلبه مخاطب بر عقل و دین و عشق

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

تقابل عشق و عقل

۵۶ ۳ برای درک مفهوم رباعی سؤال ناچاریم آن را بازگردانی کنیم، اما طراح سؤال در رباعی خاقانی تغییراتی به‌وجود آورده که مصراع سوم را مبهم ساخته از این رو ابتدا شکل صحیح رباعی را می‌آوریم و سپس به بازگردانی آن می‌پردازیم:

«عمری ز پی کام دل و راحت تن / گشتیم و ندیدیم به جز رنج و محن

درد آمد و گفت از بن دندان با من / راحت‌طلبی، ز کام دندان برکن»

بازگردانی: عمری را صرف رسیدن به خواسته‌ها و آرزوها و آسایش‌طلبی کردیم، اما چیزی جز رنج و سختی نصیبمان نشد. درد با همه وجود به من این را گفت که [اگر می‌خواهی از سختی‌ها نجات یابی] راحت‌طلبی را رها کن و طمع رسیدن به آن را از وجودت پاک‌ساز.

۵۷ ۴ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۴): ارزشمندی دل

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) بی‌وفایی زیبارویان

(۲) ستایش معشوق و طلب عنایت از او

(۳) خودآتهامی

۵۸ ۲ مفهوم مشترک بیت‌های سؤال و گزینه (۲): ارزشمندی دل

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) بی‌قراری عاشق و تقابل عشق و صبر

(۳) بی‌قدری دل عاشق / فراوانی دل‌دادگان معشوق

(۴) دیرینگی و فراگیر بودن غم هجران / فراوانی دل‌دادگان معشوق

۵۹ ۴ مفهوم گزینه (۴): متناسب نبودن ظاهر با باطن

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

ارزشمندی دل

۶۰ ۲ مفهوم مشترک ابیات سؤال و گزینه (۲): توصیه به تلاش و تکاپو و نکوهش

سستی

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) آرامش و بی‌تعلقی عارفان

(۳) ناپایداری دنیا

(۴) توصیه به وصال اهل دل / وصال موجب پالایش درون است.

۶۱ ۱ مفهوم گزینه (۱): تقابل عشق و صبر

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:

صبر، کلید کام‌یابی‌ست.

۶۲ ۴ مفهوم گزینه (۴): ستایش فروتنی / نکوهش ظاهرین

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

ناپایداری دنیا

۶۳ ۲ مفهوم گزینه (۲): گرفتاری و عجز انسان در جهان

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

ناپایداری و بی‌اعتباری عمر و وجود انسان

۶۴ ۴ مفهوم گزینه (۴): خودآزاری عاشق / غم‌پرستی

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

نکوهش دل بستن به دنیا

۶۵ ۳ مفهوم گزینه (۳): تجلی همه پدیده‌ها در وجود انسان

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

انسان، اشرف مخلوقات است.

۶۶ ۳ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۳): توصیه به سنجیدگی

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) تقابل بصیرت با تعلقات دنیوی

(۲) درماندگی زمینه‌ساز تضرع و اظهار نیاز است.

(۴) جور و جفا و بی‌اعتنایی معشوق

۶۷ ۴ مفهوم گزینه (۴): تناسب گفتار با کردار

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

توصیه به سنجیده‌گویی

۶۸ ۳ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۳): ضرورت توکل و کافی بودن خداوند

برای بنده

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) ازلی بودن عشق

(۲) لذت جفای معشوق

(۴) بی‌درمان بودن درد عشق

۶۹ ۳ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۳): توصیه به توکل

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) حیا موجب مصونیت است.

(۲) راز عشق پنهان‌کردنی نیست.

(۴) ضرورت حفظ کردن خود

۷۰ ۳ مفهوم گزینه (۳): نکوهش تنبلی و سوء استفاده از توکل

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

توصیه به توکل

۷۱ ۴ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۴): تحمل رنج موجب رشد و کمال است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) عشق موجب ارزشمندی است.

(۲) عشق، هویت‌دهنده و زندگی‌بخش است.

(۳) ظاهر، آیینۀ باطن است.

۷۲ ۲ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۲): صبر، کلید کام‌یابی است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) تقابل عشق و صبر

(۳) بی‌حاصل بودن صبر / تقابل عشق و صبر

(۴) گله از بی‌وفایی معشوق

۷۳ ۲ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۲): توصیه به خوش‌باشی

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) شورانگیز بودن عشق

(۳) شورانگیز بودن عشق

(۴) غم فراق / توصیه به تسلیم و رضا / تقدیرگرایی

۷۴ ۲ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۲): تغییرناپذیری سرشت موجودات

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) نکوهش کینه‌توزی و دعوت به خوش‌قلبی و امیدواری

(۳) هر کسی محرم راز عشق نیست.

(۴) هشدار نسبت به تنگ‌نظری دیگران و توصیه به شریک کردن دیگران در خوشی خود

۷۵ ۲ مفهوم مشترک حکایت سؤال و گزینه (۲): تربیت، وابسته به تنبیه است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) نرمی و مدارا موجب تأثیر سخن است.

(۳) توصیف آسوده خیالی معشوق

(۴) پاک‌بازی و بی‌تعلقی

۷۶ ۴ نوع ادبی در گزینه (۴): تعلیمی

نوع ادبی در سایر گزینه‌ها:

حماسی

۷۷ ۲ اندرزهای مطرح‌شده در هر بیت:

(۱) پرهیز از غفلت و توصیه به غنیمت شمردن فرصت

(۳) درویش‌نوازی

(۴) ترک حرص و توصیه به قناعت

۷۸ ۳ الهی‌نامه: عطار نیشابوری

۷۹ ۲ قدیمی‌ترین طبقه‌بندی انواع ادبی در یونان باستان صورت گرفته

است؛ آن‌ها از چهار نوع حماسی، غنایی، نمایشی و تعلیمی، سخن گفته‌اند؛ این

تقسیم‌بندی، بیشتر مبتنی بر شعر بود و جنبه محتوایی داشت.

۸۰ ۴ «عاطفه» اساسی‌ترین عامل پیدایش شعر است.

۸۱ ۳ عبارت سؤال معرّف «عاطفه»، اساسی‌ترین عامل پیدایی شعر است.

۸۲ ۳ با توجه به مضمون بیت‌ها شعر، فضایی غم‌انگیز دارد.

۸۳ ۴ در این ابیات، سعدی سخن خویش را با وزن و آهنگی درآمیخته است

که به آسانی، حالت شادی و نشاط درونی او را به خواننده منتقل می‌کند.

۸۴ ۲ حالت روحی شاعر بیت گزینه (۲) و سعدی شیرازی: شادی و نشاط

حال و هوای سایر ابیات:

غم و اندوه و ناکامی

۸۵ ۳ گزینه (۳) بر خلاف وزن نشاط‌آور بیت، مفهومی غم‌آلود دارد. «باده

نداشتن»، «گریه» و «تر کردن مژه» این مفهوم را به خوبی تداعی می‌کنند.

۸۶ ۲ در سایر گزینه‌ها وزن و آهنگ کوبنده و کوتاه، بار حماسی فضای

شعر را غنی‌تر کرده است؛ یعنی وزن و آهنگ با محتوا هماهنگی کامل دارند. اما

در گزینه (۲) این‌طور نیست.

۸۷ ۲ اغراق در بیت «پ»: تشبیه سپاه به کوه گران

اغراق در بیت «ت»: بنفش شدن هوا در اثر برخورد تیغ دلبران

۸۸ ۳ در بیت سؤال و گزینه (۳) واژه «هم» به معنی «غم و اندوه» به کار

رفته، اما در سایر گزینه‌ها به معنی «نیز و همچنین» آمده است.

۸۹ ۴ واژه «هم» در گزینه (۴) در معنی «غم و اندوه» به کار رفته است و

در سایر گزینه‌ها در معنی «نیز و همچنین».

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۲) مفتعلن مفاعیل مفتعلن مفاعیلن: -U-U/-UU/-U-U/UU
- ۳) مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن: -U-/U--U/U-U-/U--
- ۴) مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن: ---U/---U/---U/---U

۳ ۱۶۸۳

گل	گش	ت	با	غ	می	ک	ند	دم	رو	ز	سر	و	من
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-
بن	گر	ک	با	ز	بر	گ	ل	حش	بو	چ	می	ز	ود
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-
			فاعلات				مفاعیل					فاعلن	

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن: -U---/-U---/-U---/-U---
- ۲) مفتعلن مفاعیل مفتعلن مفاعیلن: -U-U/-UU/-U-U/UU
- ۴) مفعول مفاعیل مفاعیل فاعلن: -U/U--U/U-U-/U--

۱ ۱۶۸۴ تقطیع گزینه (۱):

آن	خا	ن	ک	طیب	فست	ن	شای	ها	ش	ب	گف	تید
-	-	U	U	-	-	U	U	-	U	-	U	-
از	خا	چ	ی	آین	خا	ن	شانی	ب	ن	ما	بید	
-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	-	U
				مفاعیل			مفاعیل				فاعلن	

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۲) مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن: -U-/U--U/U-U-/U--
- ۳) مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن: -U-/U--/-U-/U--
- ۴) مفعول مفاعیل مفاعیل فاعلن: -U-/U--U/U-U-/U--

۱ ۱۶۸۵ تقطیع گزینه (۱):

ام	رو	ز	چ	رو	زست	ب	گو	رو	ز	س	عا	دت
-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	-	U
این	قب	ل	ی	دل	کیست	ب	گو	جا	ن	خ	را	بات
-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	-	U
				مستفعل			مستفعل				مستف	

(مفعول مفاعیل مفاعیل فاعلن)

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۲) مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن: -U-/U--/-U-/U--
- ۳) مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن: -U---/-U---/-U---/-U---
- ۴) مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن: -U-/U--U/U-U-/U--

۳ ۱۶۸۶

ای	چش	م	ت	دل	ف	ر	ب	جا	دو
-	-	U	U	-	U	-	U	-	U
در	چش	م	ت	خی	ر	چش	م	آ	هو
-	-	U	U	-	U	-	U	-	U
				مفاعیل			فاعلن		

(مستفعل فاعلات فاعلن)

۲ ۱۶۸۷

ای	سا	قی	ی	زان	پیش	ک	مس	تم	ک	نی	یز	می
-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	-	U
من	خد	ز	ن	ظر	در	ق	د	با	لا	ی	ت	مس
-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	-	U
				مفاعیل			مفاعیل				فاعلن	

۲ ۱۶۸۸

ک	نوین	ک	کش	ت	ی	ما	در	م	یا	ن	مو	ج	ف	تاد
-	U	-	U	-	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-
ا	گر	چ	ن	ک	م	جا	ل	ش	نا	ب	ود	غم	نیست	
-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-
				مفاعیل			فاعلن				مفاعیل		فاعلن	

۱ ۱۶۸۹

ای	دی	د	ی	عا	ش	ق	ب	رو	یت
-	-	U	U	-	U	-	U	-	U
چن	رو	ی	م	جا	و	ر	ب	مح	راب
-	-	U	U	-	U	-	U	-	U
				مفاعیل			فاعلن		

۳ ۱۶۹۰

گر	سن	گ	زین	خ	دیب	ب	نا	لد	ع	جب	م	دار
-	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U
صا	حب	د	ل	ج	کا	ی	دل	حش	ا	دا	گ	نند
-	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U
				فاعلن			مفاعیل				فاعلن	

وقت نبر! وزن‌های پیشنهادی در گزینه‌های (۲) و (۴) هر دو، یک وزن‌اند! که طراح سؤال در طراحی گزینه‌های نادرست به این موضوع ابتدایی توجه نکرده است.

۴ ۱۶۹۱

گو	خلیق	ب	دا	نبد	ک	من	عا	ش	ق	مس	تم
-	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-
در	کو	ی	خ	را	با	ت	ب	شد	س	سا	ماین
-	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-
				مفاعیل			مفاعیل				فاعلن

(مستفعل مستفعل مستفعل مستفعل)

۲ ۱۶۹۲

وص	فی	چ	ن	ک	لا	ی	ق	حس	نت	ن	می	ز	ود
-	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-
آ	شف	ت	ح	ل	را	ن	ب	و	م	ت	بر	ش	خن
-	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-
				فاعلن			مفاعیل				فاعلن		

(مستفعلن مفاعیل مستفعلن فاعلن)

۲۵۴۷ ۴ تشبیه: سخن گفتن معشوق به سخن گفتن شیرین [و برتری دادن بر آن] در مصراع اول / معشوق به شیرین [و برتری دادن بر آن] در مصراع دوم / ایهام: شیرین (مصراع اول): ۱- لذت‌بخش ۲- معشوقه خسرو و معشوق فرهاد / آب: ۱- مایه حیات (این‌جا به معنی بزاق دهان) ۲- آبرو / شیرین (مصراع دوم): ۱- لذت‌بخش ۲- معشوقه خسرو و معشوق فرهاد / استعاره: شکر: استعاره از لب

ایهام تناسب: شکر: ۱- ماده شیرین خوراکی معروف (معنی واژه در بیت) ۲- معشوقه خسرو و هووی شیرین! (معنی ناسازگار با بیت، متناسب با یکی از دو معنی «شیرین» در مصراع‌های اول و دوم)

۲۵۴۸ ۱ ایهام: — / حس آمیزی: —

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) استعاره: جان‌بخشی به دل و خم: دل خامش / دل‌گویا / جگر خم / تناقض: این‌که دل خامش از مهر خموشی، گویا شود.

۳) تشبیه: مهر خموشی / مراعات نظیر: دل، جگر، سر / می، خم

۴) مجاز: دل مجاز از وجود / جگر مجاز از اندرون / سر مجاز از درپوش و قسمت فوقانی خم

اسلوب معادله: مهر خموشی / دل خامش / گویا شدن = سر بسته / جگر خم / می در آن جوشیدن

۲۵۴۹ ۲ ایهام: بو ۱- شمیم و رایحه ۲- امید و آرزو

تشبیه: من به غنچه / جناس: [کوی]، [بوی] / بر، سر

کنایه: پرده دریدن: این‌جا کنایه از بی‌قراری

۲۵۵۰ ۳ تشبیه: ساز هستی، به تعبیری / آهنگ عدم

تضاد: هستی ≠ عدم / نوا ≠ خموشی

ایهام (به تصور طراح): آهنگ: ۱- نوا، موسیقی ۲- قصد، تصمیم

پارادوکس: این‌که ساز هستی، چیزی به جز آهنگ عدم نداشته باشد و این‌که همه نواها خاموشی بسازند. / حس آمیزی: وادیدن نوا

۲۵۵۱ ۴ استعاره: شکر استعاره از لب

ایهام تناسب: شور: ۱- هیجان (معنی واژه در بیت) ۲- نمکین (معنی ناسازگار با بیت، متناسب با شکر)

مجاز: جهان (اول و دوم) مجاز از مردم جهان / عالم (اول) مجاز از مردم عالم / اغراق: بزرگ‌نمایی در توصیف شورانگیزی لبان معشوق و این‌که همه جهانیان مشتاق او باشند.

۲۵۵۲ ۱ تشبیه: بی‌برگی به برگ / خار و خس، به شیرازه گلزار

استعاره: جان‌بخشی به چمن / شیرازه گلزار / خار و خس استعاره از ناکامی و آزدگی و بی‌برگی

پارادوکس: این‌که بی‌برگی، برگ باشد و خار و خس، شیرازه گلزار باشد.

مجاز: چمن مجاز از گلشن

۲۵۵۳ ۲ استعاره: لاله استعاره از گونه / اغراق: این‌که خورشید از دیدن گونه‌های معشوق چنان شرم‌منده شود که خود را پنهان کند، بیانی اغراق‌آمیز است. / تشخیص: این‌که خورشید خودش را پنهان کند. / حسن تعلیل: به تصور طراح سؤال، این‌که خورشید به خاطر شرم از زیبایی معشوق پنهان می‌شود، حسن تعلیل دارد.

۲۵۵۴ ۳ استعاره: نسبت دادن دانستن و زادن و شدن و جام می ز کف نهدان به لاله؛ همین‌طور، نسبت دادن بی‌وفایی به دهر، تشخیص و استعاره است. / تضاد: بزاد ≠ بشد / مجاز: کف مجاز از دست / حسن تعلیل: علت شکل ظاهری گل لاله و سرخی رنگ آن، جام به دست گرفتن به دلیل بی‌وفایی دهر دانسته شده است.

۲۵۵۵ ۲ تشبیه: آن به ذره

استعاره: نسبت دادن مهر و گرفتاری به ذره، تشخیص و استعاره است. / ایهام تناسب: مهر: ۱- محبت، عشق (معنی مورد نظر در بیت) ۲- خورشید (معنی نادرست / متناسب با خورشید)

۲۵۵۶ ۲ تشبیه: روی به مه / زلف به کمند / ایهام: باری: ۱- به هر حال ۲- یک بار / جناس تام: روی (اول و سوم): چهره، روی (دوم): وجه و دلیل / کنایه: روی برتافتن: بی‌توجهی، معادل کنایه روی گرداندن

۲۵۵۷ ۴ تشبیه: میان به مو / میان به وجود / میان به عدم / دو زلف به افعی ضحاک / چهره به جام جم

پارادوکس: این‌که موی میان معشوق (کمر باریک او) هم وجود و هم عدم باشد. / تلمیح: اشاره به داستان ضحاک ماردوش

جناس: جام، جم (ناقص)

۲۵۵۸ ۴ جناس تام: مهر (محبت، عشق)، مهر (خورشید)

ایهام تناسب: مهر (اول): ۱- محبت، عشق (معنی مورد نظر در بیت) ۲- خورشید (متناسب با خورشید) / فروغی: ۱- تخلص شاعر (معنی مورد نظر در بیت) ۲- نوری (متناسب با مهر دوم و نور و خورشید و فروزنده)

اسلوب معادله: مهر / آن مهر (معشوق) / نقصان نپذیرفتن = نور / خورشید فروزنده / کم و بیش نگریدن / استعاره: مهر (دوم) استعاره از معشوق

۲۵۵۹ ۴ تشبیه: دهر به مجلس [و به تعبیری، ساز مستی]

جناس: در، دهر / پست، است، دست

ایهام تناسب: چنگ: ۱- نوعی ساز (معنی مورد نظر در بیت) ۲- سرینجه (متناسب با دست) / قانون: ۱- قاعده (معنی مورد نظر در بیت) ۲- نوعی ساز (متناسب با ساز، چنگ و دف)

کنایه: پست بودن ساز، چنگ به قانون نبودن و دف بر دست نبودن هر سه کنایه از ناخوشایندی و بی‌سامانی

۲۵۶۰ ۳ بررسی آرایه‌های گزینه (۳): کنایه: تر داشتن دماغ کنایه از ایجاد لذت و شادابی / تضاد: خشک ≠ تر / ایهام تناسب: مدام: ۱- همیشه (معنی درست) ۲- شراب (معنی نادرست / متناسب با باده)

۲۵۶۱ ۲ بررسی آرایه‌های گزینه (۲): تشبیه: خود به ساز / ایهام تناسب: احتمالاً طراح، واژه «نوا» را دارای ایهام تناسب پنداشته است. / ایهام: آهنگ: ۱- قصد ۲- نوا / نوازش: ۱- نواختن ۲- لطف کردن / مجاز: ایام مجاز از مردم یا زندگی

۲۵۶۲ ۱ بررسی آرایه‌ها در ابیات:

استعاره: «جان» و «دل» در جمله «ای جان و دل»: استعاره از معشوق / تشبیه: بوی معشوق به نکهت / خود به گل / تشخیص: آغوش گل / جناس: دل و گل / گل و گل / مجاز: گل: مجاز از وجود یا تن شاعر / تعبیر دیگر درباره مجاز این است که «گل» را مجاز از «گور» بدانیم. در این صورت مفهوم بیت «جاودانگی عشق» خواهد بود.

۲۵۶۳ ۲ ایهام تناسب: سر (در پایان مصراع دوم): ۱- سرور، والاتر (معنی

درست) ۲- اندام فوقانی (معنی نادرست / متناسب با مو و سر)

ایهام: سودا: ۱- خیال ۲- تجارت / سر از پا ندانستن: ۱- اشتیاق داشتن بی حد

۲- ناآگاه بودن

جناس: سر (اندام فوقانی) و سر (سرور، والاتر) / تشبیه: بازار عشق

دقت کنیز! جناس گرفتن میان معنی حقیقی و مجازی واژه، در واقع نادرست است.

سؤال را برای آشنایی‌ات با نگاه طراح، حفظ کردیم.

۲۵۶۴ ۲ استعاره: جان بخشی به نیشکر تشخیص و استعاره است.

حس آمیزی: نطق شکرین

نغمه حروف: تکرار صامت «ش» (۶بار)

کنایه: لب گشودن کنایه از اقدام به سخن‌گویی / انگشت خاییدن در این‌جا کنایه

از حسرت خوردن

۲۵۶۵ ۴ بررسی آرایه‌ها در گزینه (۴): استعاره: نسبت دادن گوش‌مالی به عشق

تشخیص و استعاره است.

کنایه: گوش کسی را مالیدن کنایه از او را تنبیه کردن

جناس: زیر، زار

واج‌آرایی: تکرار صامت «ر» (۵ بار)، و تکرار صامت «ز» (۴ بار) در مصراع اول

۲۵۶۶ ۴ کنایه: ترش بودن کنایه از بدخلقی، تیزی کردن کنایه از تندخویی /

ایهام تناسب: شور به معنای هیجان و عشق ایهام تناسب با طعم شور / حس آمیزی:

تلخ نمودن / شیرین سخن گفتن

۲۵۶۷ ۲ بررسی آرایه‌ها در گزینه (۲): تشبیه: مزگان به خار / رخ به گل

ایهام تناسب: سودا: ۱- خیال (معنی درست) ۲- داد و ستد (معنی نادرست) /

تناسب با بازارها)

کنایه: خار در چشم کسی شدن کنایه از آزردن

تشخیص: جان بخشی به گلستان و گل

۲۵۶۸ ۳ استعاره: تیر استعاره از غمزه / کمین گشودن ابرو تشخیص و استعاره

است.

کنایه: کمین غمزه گشودن کنایه از ناگاه اقدام به دل‌زایی کردن / سینه سپر کردن در

این‌جا کنایه از خود را در معرض تیر غمزه قرار دادن و از درد عاشقی استقبال کردن

تشبیه: کمان ابرو (اضافه تشبیه‌ای) / تشبیه سینه به سپر

جناس: کمان و کمین

۲۵۶۹ ۳ ایهام: — / پارادوکس: —

بررسی سایر آرایه‌ها:

۱) استعاره و تشخیص: مخاطب قرار دادن خامه (قلم) و نسبت دادن زبان به آن،

استعاره و تشخیص است.

تلمیح: اشاره به داستان حضرت موسی (ع) و کوه طور

۲) مجاز: حرف مجاز از سخن / زبان مجاز از سخن (به تعبیری)

۴) تشبیه: زبان به آتش / گوش به فانوس شمع طور

حسن تعلیل: شاعر (و در واقع طراح!) دلیل روشن شدن گوش (آگاهی شاعر) را

حرف عشق می‌داند.

۲۵۷۰ ۱ آرایه‌های بیت سؤال:

واج‌آرایی: تکرار صامت‌های «ر» (۱۱ بار) و «ش» (۶ بار) / ایهام: — / تلمیح: اشاره

به داستان خسرو و شیرین / حس آمیزی: شعر شیرین، گفتار شیرین

دقت کنیز! طراح سؤال، با درک نادرست از مصراع دوم، «ایهام تناسب»

در واژه‌های شیرین و خسرو را «ایهام» تصوّر کرده‌اند. (خسرو: ۱- پادشاه

۲- خسروپرویز / شیرین: ۱- دل‌پذیر ۲- معشوقه خسروپرویز). با توجه به نبود

«حسن تعلیل» و «اسلوب معادله» در سه گزینه دیگر، ناچار باید گزینه (۱) را

انتخاب کرد. سؤال را برای آشنایی‌ات با نگاه طراح حفظ کردیم.

۲۵۷۱ ۲ ایهام تناسب: روان: ۱- روح (معنی درست) ۲- جاری (معنی نادرست /

تناسب با آب) / اسلوب معادله: —

بررسی آرایه‌های بیت سؤال در سایر گزینه‌ها:

۱) استعاره: جان بخشی به آب / نسبت دادن قد و قامت و پا به سرو

مراعات نظیر: کف، پا، قد، قامت (مجموعه اندام انسانی)

۳) تشبیه: تشبیه خود به آب / سرو به معشوق

تشخیص: جان بخشی به آب / نسبت دادن قد و قامت و پا به سرو

۴) کنایه: جان بر کف بودن کنایه از نهراسیدن از مرگ و جدّیت در راه هدف، تا پای

جان / روان در پای کسی ریختن کنایه از خود را فدای او کردن

جناس: دوان، روان (ناقص)

۲۵۷۲ ۱ بررسی آرایه‌های گزینه (۱):

مجاز: ماه و پروین: مجاز از ستارگان و تمام اجرام نورانی آسمانی

کنایه: رخ فرو پوشیدن کنایه از پنهان شدن

تشبیه: تشبیه روی معشوق به آفتاب / علاوه بر آفتاب، شاعر به‌طور ضمنی رخ

معشوق را به ماه و پروین تشبیه کرده و از آن دو، برتر دانسته است.

استعاره: نسبت دادن خجالت کشیدن و رخ پوشاندن به ماه و پروین / نسبت

دادن تجلّی به روی

۲۵۷۳ ۳ بررسی آرایه در سایر گزینه‌ها:

۱) تشبیه: کوه فضل (اضافه تشبیه‌ای) / تضاد: گریان ≠ خندان

۲) استعاره: جان بخشی به ابر و برق / جود دست (اضافه استعاری) / جناس: وجود،

جود (ناقص) / شکوه، کوه (ناقص)

۴) تشخیص: نسبت دادن گریه به ابر و خنده به برق و جود به دست /

مراعات نظیر: ابر، سحاب / کوه، جبال

۲۵۷۴ ۲ آرایه‌های گزینه (۴): استعاره: گل: استعاره از معشوق / حس آمیزی: رنگ

سخن / کنایه: لب ز سخن بستن کنایه از سکوت

۲۵۷۵ ۳ بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) کنایه: کاهیدن کنایه از رنجور و ناتوان شدن / کاه شدن کوه کنایه از ضعیف شدن

قوی / کشیدن کنایه از تحمّل کردن (به تعبیری)

تشبیه: خود به ماه / کوه به کاه / تضاد: کوه ≠ کاه

۲) استعاره: مهر استعاره از چهره یار / جان بخشی به ماه / ایهام: تاب: ۱- گرما ۲-

تابش ۳- تحمّل / مهر: ۱- محبت ۲- خورشید

حسن تعلیل: دلیل کاسته شدن ماه، تابش خورشید چهره معشوق پنداشته شده است.